



مراودات با کشورهای منطقه

جلسه علی لاریجانی با اتاق بازرگانی ایران



دیپلماسی در آستانه اسنپ بک

دیدار عراقچی با تروئیکای اروپایی



حزب خرابکار

درباره فراز و فرود حزب رستاخیز

انتقاد از زمین وزمان

دونالد ترامپ در یک سخنرانی طولانی به انتقاد آشکار از سازمان ملل پرداخت تغییرات اقلیمی را کلاهبرداری تاریخ خواند و توافق‌های بین‌المللی را به سخره گرفت



یادداشت روز

پیشی گرفتن زنان از مسئولان

در باره موتورسواری دختران و پیشنهاد سازمان زنان حزب کارگزاران به دولت



فائزة هاشمی

عضو شورای مرکزی و رئیس سازمان زنان حزب کارگزاران سازندگی ایران

حدود ۲۰ سال پیش، زمانی که به عنوان یک مطالبه عمومی از موتورسواری بانوان و چندی بعد، از دوچرخه‌سواری زنان صحبت کردم، طبق انتظار حملات زیادی دریافت کردم و این مطالبه تا مدت‌ها نادیده گرفته شد. اما اکنون و بعد از ماجرای مرگ مهسا و اعتراضات ۱۴۰۱ دیگر مطالبه نبود بلکه بسیاری از دختران جوان، میدان را به دست گرفته و سوار بر موتور، خود وارد عمل شدند. در حال حاضر دختران زیادی در خیابان‌ها مشغول موتورسواری هستند و در واقع این خود نشان‌دهنده این است که بانوان به‌خوبی قادر به رانندگی موتور و دفاع از حق تضییع شده خود هستند. البته تحولات اجتماعی غالباً از طرف مردم و قبل از تغییرات قانونی رخ می‌دهند. به عبارت دیگر جامعه به خصوص زنان از مسئولان پیش هستند. موتورسواری بانوان نیز یکی از این موارد است که بعد از مدتی دوباره مطرح و دولت هم در حمایت از آن وارد عمل شده است. خانم مهاجرانی، سخنگوی دولت در گفت‌وگویی ضمن حمایت از موتورسواری بانوان اظهار کرد که مشکلی از نظر قانونی برای موتورسواری زنان وجود ندارد و پلیس نیز با این اقدام موافق است. (نقل به مضمون) اما برخلاف نظر خانم مهاجرانی، طبق تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات مصوب ۱۳۸۹ «صدر گواهینامه موتورسیکلت «برای مردان» به عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است». یعنی عبارت «برای مردان» در این ماده، مشکل اساسی است. در گذشته نزدیک با شکایت بانویی، دیوان عدالت اداری در رای اولیه خود صدور گواهینامه موتور برای زنان را باامناع اعلام کرد اما در رای تجدیدنظر و احتمالاً به توجیه قضات، این رای باطل شد. با این حال در شرایط جدید و بروز تحولات مثبت اجتماعی، موتورسواری دختران در حال افزایشی چشمگیر است. رئیس پلیس نیز در حمایت از این امر، درباره احتیاط و دقت بانوان در رانندگی با موتور و نبود مشکل، اظهاراتی داشته است. نکاتی که مورد توجه دلواپسان و مخالفان موتورسواری بانوان و یا زین‌سواری زنان به عمد مورد توجه قرار نمی‌گیرد تا نشان دهند، مرغ آنان همچنان یک پا دارد فراوان است، از جمله:

- ۱ از نظر فقهی نشستن زنان بر ترک تاکسی موتوری‌ها که جزو محارم هم نیستند به امری عادی و روزمره تبدیل شده است. عجبا که این امر از نگاه اینان به عنوان یک امر حرام تلقی نشده و بر آن چشم بسته‌اند. همچنین وجود روایتی از پیامبر اکرم که فرمودند: «به فرزندان خود سوارکاری، تیراندازی و شنا بیاموزید». این جمله اشاره به آموزش مهارت‌های روز به فرزندان، چه دختر و چه پسر دارد. اسب مرکب آن زمان است و موتور و دوچرخه مرکب این زمانه که در هر سه «زین‌سواری» که مشکل اصلی دلواپسان است، وجود دارد.
- ۲ از منظر اقتصادی موتورسواری بانوان می‌تواند، فرصت‌های شغلی جدیدی برای آنان به‌وجود آورده و زنان به‌عنوان راننده تاکسی موتوری، پیک‌های موتوری، آموزشگاه‌های موتورسواری و... مشغول به کار شوند.
- ۳ از منظر زیست محیطی و بحران‌های شهری در کاهش ترافیک، آلودگی هوا، مصرف سوخت و... استفاده از موتور به جای ماشین توسط زنان، تأثیراتش قابل انکار نیست.
- ۴ از منظر عرفی و اجتماعی اکنون موتورسواری خانم‌ها، امری جا افتاده و مقبول است.

| ادامه در صفحه ۳



رهبر انقلاب در سخنرانی زنده تلویزیونی اعلام کردند:

مذاکره با آمریکا

بن‌بست محض

است

رهبر انقلاب در سخنرانی زنده تلویزیونی اعلام کردند: مذاکره با آمریکا برای مسئله هسته‌ای و شاید مسائل دیگر، بن‌بست محض است. ایشان در انتهای همین سخنرانی تأکید کردند: باید قوی شد. قوی شدن در نظامی لازم است. قوی شدن علمی لازم است. راه‌های تقویت کشور را باید پیدا و آن را دنبال کرد. جز این راهی وجود ندارد. مشروح سخنان ایشان به شرح زیر است:

- شادباش عرض می‌کنم ورود ماه مهر را. ماه مهر ماه درس و مدرسه، دانش و دانشگاه است. ماه مهر ماه آغاز حرکت میلیون‌ها جوان و نوجوان و نونهال به سمت دانایی و توانایی است. این خصوصیت ماه مهر است.
- بنده به مسئولان عزیزمان، مسئولان به‌خصوص مسئولان آموزش و پرورش و وزارت علوم و بهداشت و درمان توصیه می‌کنم که ارزش و اهمیت استعداد جوان ایرانی را همواره موردنظر داشته باشند. جوانان ایرانی استعدادشان در دانش و در بسیاری از مسائل دیگر زندگی را نشان دادند.
- من اینجا این‌آمار را بخوانم: در رقابت‌های مختلف

- دانش‌آموزان جهان در همین اواخر با حوادث جنگ دوازده‌روزه و این چالش‌هایی که وجود داشت، چهل مدال رنگارنگ را دانش‌آموزان ما کسب کردند که از این چهل مدال، یازده‌تا مدال طلا بود. این‌ها خیلی اهمیت دارد، ارزش دارد. در المپiad نجوم رتبه‌ی اول را به دست آوردند در دنیا در بین کشورهای شرکت‌کننده‌ی بین‌المللی. در رتبه‌های در رشته‌های دیگر هم رتبه‌های خوبی را به دست آوردند. در ورزش هم، عرصه‌ی ورزش هم که خب این روزها دارید می‌بینید، قبلاً والیبال، بعد هم حالا کشتی. این جوان‌های ما این‌جوری‌اند. بحمدالله استعداد این‌ها استعداد فوق‌العاده‌ای است. از این بایستی استفاده کرد.
- لازم می‌دانم این روزها به مناسبت سالگرد شهادت مجاهد کبیر شهید سید حسن نصرالله یادی از ایشان بکنم. سید حسن نصرالله ثروت عظیمی بود برای دنیای اسلام، نه‌فقط برای تشیع، نه‌فقط برای لبنان، برای دنیای اسلام ثروتی بود. البته این ثروت از دست نرفته. ثروت باقی است. او رفت، اما این ثروتی که او ایجاد کرده بود، این ثروت باقی است.

| ادامه در صفحه ۲

شعام

دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور

در دیدار با اعضای اتاق بازرگانی ایران خبر داد:

مراودات سیاسی و تجاری با همه کشورهای منطقه



علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور، روز گذشته در دیدار با اعضای اتاق بازرگانی ضمن قدردانی از تلاش‌های آنان در «جنگ ۱۲ روزه» گفت: «با فعال نگه داشتن تولید کارخانه‌ها، کمک بزرگی به پایداری ملت کرده‌اید».

مشاور رهبری، اقدامات اخیر جمهوری اسلامی را در جهت توسعه ملی دانست و تأکید کرد: «هدف ما حل‌وفصل مسائل امنیتی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه کشور است». لاریجانی همچنین از پیشنهاد ایجاد سازوکاری برای ارتباط میان اتاق بازرگانی و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی استقبال کرد و گفت: «دیدگاه‌های فعالان اقتصادی باید در تصمیم‌سازی‌های شورا مورد توجه قرار گیرد».

دبیر شورای عالی امنیت ملی، نقش‌آفرینی بخش خصوصی در مذاکرات خارجی را مفید دانست و افزود: «برخی مذاکرات می‌تواند، زمینه حل‌وفصل مسائل دیگر را نیز فراهم آورد». او با تأکید بر استقلال اتاق بازرگانی گفت: «این نهاد مدنی باید طبق قانون، تصمیمات لازم را اتخاذ کند و هیچ دلیلی برای تفوق نگاه امنیتی بر چنین نهادهایی وجود ندارد؛ هر جا هم دخالتی خلاف قانون صورت گیرد با آن مقابله خواهیم کرد».

لاریجانی در بخش دیگری از سخنانش به موضوع «اسنپ‌بک» اشاره کرد و گفت: «ایران همه راه‌های ممکن برای حل‌وفصل موضوع از طریق مذاکره را پیموده است اما طرف‌های مقابل زیاده‌خواهی و سنگ‌اندازی کرده‌اند». وی با ذکر مثالی افزود: «فرانسه از طریق مدیرکل آژانس پیام داد که اگر با آژانس به ترتیبات خاصی برسید، ما تقاضای اسنپ‌بک را پس می‌گیریم. این توافق انجام شد و وزیر امور خارجه ما در مصر آن را امضا کرد اما آنان به وعده خود عمل نکردند». او ادامه داد: «سپس طرحی از سوی اروپایی‌ها و طرح دیگری از سوی روسیه مطرح شد. ایران با ملاحظاتی هر دو طرح را پذیرفت اما باز هم آنان به قول خود وفادار نماندند و پیگیر اسنپ‌بک در شورای امنیت شدند».

لاریجانی با اشاره به مطالبات غیرقابل قبول غرب گفت: «در طرح اولیه آمریکایی‌ها، شرطی مطرح شد که هیچ انسان با غیرتی نمی‌پذیرد؛ کاهش برد موشک‌ها به کمتر از ۵۰۰ کیلومتر! آیا چنین چیزی برای یک ایرانی قابل قبول است؟» وی یادآور شد: «در برجام، سازوکاری پیش‌بینی شده بود تا اگر طرفی به تعهدات خود عمل نکرد، طرف دیگر واکنش نشان دهد. آمریکا نخستین کشوری بود که از توافق خارج شد و پس از آن اروپایی‌ها نیز پایبند نبودند و حتی اقدام به بمباران کردند. حال چه کسی باید اعتراض کند؟»

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به سابقه بدعهدی غرب گفت: «مشکل در سوءاستفاده آنان از متون قراردادی است. هیچ‌گاه ایران از مذاکره برای حل مسائل پرهیز نکرده است؛ حتی در بحبوحه مذاکره، ما را بمباران کردند. آنها شعار مذاکره می‌دهند اما در عمل به دنبال مقاصد دیگری هستند». او افزود: «اگر پیشنهادی معقول و منصفانه با تضمین منافع ایران ارائه شود، آن را می‌پذیریم. اما نسبت به منافع و امنیت ملی تعصب داریم و ایستادگی خواهیم کرد؛ همان‌گونه که در موضوع برد موشکی ایستادیم».

لاریجانی در پایان تأکید کرد: «مسیری که ما دنبال می‌کنیم در تعارض با سیاست‌های آشوب‌طلبانه رژیم صهیونیستی است. بنابراین از مراودات سیاسی، تجاری و امنیتی با همه کشورهای منطقه استقبال می‌کنیم و این مسیر را پیگیری خواهیم کرد».

ادامه تیتیریک

مذاکره با آمریکا بن بست محض است

● هدف دشمن، مختل کردن نظام بود که من در یک صحبت دیگری گفتم که این‌ها حتی برای بعد از جمهوری اسلامی نشسته بودند، نقشه کشیده بودند و فکر کرده بودند. می‌خواستند فتنه درست کنند، فتنه‌های خیابانی درست کنند، دسته‌جانی را راه بیندازند و ریشه‌ی اسلام را در کشور بکنند. این هدف دشمن بود.

● خب این هدف در همان قدم‌های اول شکست خورد. اما سرداران و این‌ها که بلافاصله تقریباً جایگزین شدند، کسانی را جایگزین آن‌ها معین شدند و وضع و نظام و ترتیب و قاعده‌ی نیروهای مسلح با همان استحکام و باروجیهی بالاتر باقی ماند.

● اما مردم که مؤثرترین عنصر مردم بودند، مردم مطلقاً تحت تأثیر آنچه دشمن می‌خواست قرار نگرفتند. نظاراتی به وجود آمد، خیابان‌ها پر شد، اما علیه دشمن، نه علیه نظام اسلامی.

● کار را مردم به‌جایی رساندند که دشمن، آن‌کسانی که در بیرون مرزها هستند، به عوامل خودشان گفتند بی‌عرضه‌ها، ما دیگر چه کار می‌توانستیم برای شماها بکنیم که نکرديم؟ زمینه‌ها را فراهم کردیم، بمباران کردیم، عده‌ای را ترور کردیم، کشتیم. چرا کاری نمی‌کنید؟ این عواملشان در ایران، در تهران که البته عواملی دارند بدون شک، این‌ها جواب دادند، گفتند ما می‌خواستیم کارهایی بکنیم. مردم به ما اعتنایی نکردند، به ما پشت کردند، مسئولان هم و کسانی که مسئول انضباط کشور بودند، آن‌ها هم نگذاشتند، مانع شدند و ما نتوانستیم کاری را انجام بدهیم. پس نقشه‌ی دشمن عقیم شد.

● خب این‌هایی که عرض کردم، این‌ها را قبلاً هم بعضی‌اش را یا همه‌اش را ما گفتیم، دیگران گفتند. آن نکته‌ای که من می‌خواهم روی آن نکته تکیه بکنم این است که این عامل همچنان باقی است، عامل وحدت ملت ایران همچنان باقی است. عده‌ای که منشأ این عده هم خارج از کشورند، خبرهایی که به ما رسیده، این را نشان می‌دهد، عده‌ای می‌خواهند این‌جور وانمود بکنند که آن اتحادی که در ابتدای جنگ دوازده‌روزه و این مدت پیدا شد، ایسن مال همان روزها بود. چند روز بگذرد، به‌تدریج ضعیف می‌شود، اختلافات به‌وجود می‌آید، اختلاف‌نظرها غلبه پیدا می‌کند و این اتحاد از بین خواهد رفت. مردم ایران متفرق می‌شوند و می‌توان از گسل‌های قومی استفاده کرد، از اختلافات سیاسی استفاده کرد و مردم ایران را به جان هم انداخت و اغتشاش و شورش درست کرد. این را دارند تبلیغ می‌کنند.

● من می‌خواهم بگویم این حرف غلط محض است. بله، در مسائل سیاسی اختلاف‌نظر وجود دارد. ما اقوام زیادی هم در کشور داریم که همه ایرانی‌اند و افتخار می‌کنند به ایرانی بودن خودشان. این‌ها هست. منتها در مقابل دشمن، همه‌ی این مجموعه یک‌مشت محکم پول‌اند که بر فرق دشمن فرود خواهند آمد. امروز این‌جور است، بعدازاین هم به توفیق الهی این‌جور خواهد بود، در گذشته هم همین‌جور بوده.

● ایران امروز و ان‌شاء‌الله فردا همان ایران روز ۲۳ خرداد و ۲۴ خرداد است که مردم آمدند خیابان‌ها را پر کردند و علیه صهیون ملعون و آمریکای جنایتکار شعار دادند. این مسئله‌ی اولی که می‌خواستم عرض بکنم. نکته‌اش هم این بود که این اتحاد ملی، این یکپارچگی مردم همچنان وجود دارد و وجود خواهد داشت. البته همه هم در مقابل آن سنول هستیم.

● نکته‌ی دوم مسئله‌ی غنی‌سازی است. در اظهارات و بگویم‌گوه‌ای وزارت خارجه با طرف‌های سیاسی خود، مسئله‌ی کلمه‌ی غنی‌سازی خیلی تکرار می‌شود. آن‌ها درباره‌ی غنی‌سازی یک‌چیزی می‌گویند، ما یک‌چیزی می‌گوییم، در داخل کشور هم در بحث‌های گوناگون همین‌جور است. کلمه‌ی غنی‌سازی تکرار می‌شود. من یک توضیح کوتاهی در مورد غنی‌سازی می‌خواهم بدهم. اصلاً غنی‌سازی چیست؟ چیه که این قدر اهمیت دارد؟ همه‌ی بحث‌ها حول‌وحوش غنی‌سازی می‌چرخد، غنی‌سازی اورانیوم. من می‌خواهم بگویم غنی‌سازی یک کلمه است، اما در زیرش یک کتاب حرف هست که من حالا مختصری اشاره خواهم کرد. اگر افرادی که صاحب تخصص در این رشته‌ها هستند، با مردم در این زمینه صحبت کنند خوب است، مناسب است. من یک مختصری عرض خواهم کرد.

● غنی‌سازی اورانیوم یعنی دانشمندان و متخصصان اورانیوم، مربوط به مسائل اورانیوم بیابند اورانیوم خام را که معادنش هم در ایران وجود دارد، با یک‌رشته تلاش‌های فنی پیچیده و پیشرفته تبدیل کنند به یک ماده‌ی بسیار باارزشی که در مسائل گوناگون مردم دارای تأثیر است. این معنای غنی‌سازی است. یعنی یک‌چیزی را که از معدن زمینی به دست می‌آید، این را می‌آورند با فناوری‌های پیچیده، با زحمات زیاد، با تخصص‌های بالا، با مهارت‌های زیاد، ایسن را تبدیل می‌کنند به یک ماده‌ای، این ماده همان اورانیوم غنی‌سازی است. او را به غنی‌سازی می‌رسانند به درجات مختلف. و این برای مسائل گوناگونی در زندگی مردم مؤثر است.

● یعنی مردم از جهات مختلف از غنی‌سازی، از ماده‌ی اورانیوم غنی‌سازی شده سود می‌برند و استفاده می‌کنند و در زندگی مردم



کرده، این‌همه هزینه کرده، این‌همه مشکلات فراوان را از سر گذرانده، همه‌ی ایسن تلاش‌ها را، همه‌ی محصول این کارها را دود کنید و هوا کنید و از بین ببرید! معنای غنی‌سازی نداشتن این است. خب معلوم است، ملت غیرتمندی مثل ملت ایران، توی دهن گوینده‌ی این حرف میزند و این حرف را قبول نمی‌کند.

● ثانیاً به‌عکس، [مذاکره با آمریکا] زیان‌هایی هم مترتب است بر آن. یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره‌ی با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیر هستند، یک چنین زیان‌هایی هم دارد، من حالا این‌ها را شرح خواهم داد.

● اما اینکه می‌گویم به سود ما نیست، برای ما فایده‌ای ندارد چون طرف آمریکایی پیشاپیش نتیجه‌ی مذاکرات را معین کرده خودش، یعنی اعلام کرده که مذاکرات را قبول دارد، می‌خواهد مذاکره‌ای بکند که نتیجه‌ی آن مذاکره، تعطیل شدن فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی در کشور ایران باشد.

● یعنی بنشینیم پشت میز مذاکره‌ی با آمریکا و نتیجه‌ی گفتگو‌هایی که با آن‌ها خواهیم کرد این باشد که او، حرفی باشد که او گفته باید انجام بگیرد، اینکه دیگر مذاکره‌نیست، این دیکته است، این تحمیل است؛ بنشین مذاکره کن یا یک‌طرفی که نتیجه‌ی آن مذاکره الزاماً باید همان چیزی باشد که او می‌خواهد، همان چیزی باشد که او می‌گوید، این مذاکره است؟

● طرف مقابل امروز این‌جوری حرف می‌زند، می‌گوید مذاکره کنیم و از مذاکره این در بیاید که ایران غنی‌سازی نداشته باشد، حالا این غنی‌سازی را گفته، چند روز قبل از این معاونش اعلان کرد که ایران بایستی موشک هم نداشته باشد، نه موشک دور بُرد، موشک میان بُرد هم نباید داشته باشد، موشک کوتاه بُرد هم نداشته باشد، نباید داشته باشد.

● یعنی ایران آن‌چنان دستش بسته و خالی باشد که حتی اگر چنانچه بهش تعرض شد به این پایگاه آمریکایی در عراق یا در فلان جا هم نتواند جوابی بدهد و پاسخی بدهد، معنای این حرف این است. ● مذاکره کنیم تا این نتیجه به وجود بیاید! خب این سود نیست، این مذاکره‌ای است که در آن هیچ سودی وجود ندارد، همه‌اش به ضرر ماست این نتیجه‌ی مذاکره. زورگویی است، تحمل زورگویی و تحمیل آمریکاست، این مذاکره نیست.

● وقتی کسی با ایران اسلامی طرف است، این‌جور توقعات، این‌جور اظهارات، ناشی از نشناختن ملت ایران است، ناشی از نشناختن جمهوری اسلامی است، ناشی از این است که نمی‌داند فلسفه و مبنا و ممشای ایران اسلامی چیست، این‌ها را که نمی‌داند این‌جوری حرف می‌زند، به قول ما مشهودی‌ها «این حرف از دهن گوینده‌اش بزرگ‌تر است» و قابل‌اعتنا نیست این حرف، این حرفی که بیاید مذاکره کنیم برای یک چنین چیزی. پس بنابراین برای ما سود ندارد.

● طرف تهدید کرده که اگر مذاکره نکنید چنین و چنان خواهد شد، حالا نمی‌دانم بمباران می‌کنیم، چه می‌کنیم، از این حرف‌ها و یک‌خرده میهم، یک‌خرده صریح تهدید. یا مذاکره کنید اگر مذاکره نکردید چنین و چنان خواهد شد، این تهدید است. خب قبول چنین مذاکره‌ای نشانه‌ی تهدید‌پذیری ایران اسلامی است، اگر چنانچه شما رفتید با این تهدید مذاکره کردید، معنایش این است که ما در مقابل هر تهدیدی فوراً می‌ترسیم، می‌لرزیم و به‌طرف، و تسلیم طرف مقابل می‌شویم، معنایش این است.

● این تهدید‌پذیری اگر به وجود آمد، دیگر انتها نخواهد داشت. امروز می‌گویند اگر چنانچه غنی‌سازی داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم، فردا می‌گویند اگر موشک داشته باشید ما چنین و چنان می‌کنیم، بعد می‌گویند اگر با فلان کشور ارتباط داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم، اگر با فلان کشور ارتباط داشته باشید، ما چنین و چنان.

● همه‌اش تهدید، مجبوریم که در مقابل تهدیدهای دشمن عقب‌نشینی کنیم، یعنی قبول مذاکره‌ای که با تهدید همراه است را هیچ ملت‌باشرفی انجام نمی‌دهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی‌کند.

● آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: مذاکره با آمریکا برای مسئله هسته‌ای و شاید مسائل دیگر، بن‌بست محض است. ایشان البته مذاکره با آمریکا را برای رئیس‌جمهور فعلی آن مفید و مایه نمایش و القاء کارساز بودن تهدیدهایش و نشاندن ایران پای میز مذاکره دانستند و بار دیگر گفتند: اما این مذاکره برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای در پی ندارد.

اثر می‌گذارد. ازجمله در کشاورزی، مفصل در کشاورزی تأثیر دارد. ازجمله در صنعت و مواد. در مسئله‌ی تغذیه که همان مربوط به کشاورزی است. در مسئله‌ی محیط‌زیست و منابع طبیعی تأثیر دارد. در بخش‌های مربوط پژوهش و آموزش و تحقیق و دنبال‌گیری علمی تأثیر دارد. در ایجاد انرژی برق هم که خب تأثیر واضحی دارد. امروز در بسیاری از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا نیروگاه‌های برق با اورانیوم اداره می‌شود. ما این‌ها را با بنزین و با گاز اداره می‌کنیم اغلیش را. اغلب نیروگاه‌ها را. که خب البته هم هزینه‌ی زیادی دارد، هم آلاینده‌ی محیط‌زیست را دارد، آلاینده‌ی هوا را دارد، اما آن برقی که از اورانیوم غنی‌سازی‌شده و نیروگاه‌های هسته‌ای به دست می‌آید، آن برق آلاینده‌ی اش صفر است، هزینه‌اش بسیار کمتر است، عمرش بسیار طولانی‌تر است و امتیازات فراوان دیگری دارد که عرض کردم این‌ها را متخصصین باید بیابند برای مردم شرح بدهند.

● امروز ما از لحاظ غنی‌سازی اورانیوم در یک سطح بالایی قرار داریم. البته این غنی‌سازی را کشورهایی که می‌خواهند سلاح هسته‌ای درست کنند تا ۹۰ درصد خلوص هم می‌برند، ما چون احتیاج به سلاح نداریم و تصمیم بر عدم سلاح هسته‌ای هم داریم، تا آنجا بالا نبرديم، تا ۶۰ درصد بالا ببریم که رقم خیلی بالایی است، رقم خیلی خوبی است، و برای برخی از کارهای موردنیازمان در کشور لازم است.

● تا اینجا توانستیم پیش ببریم، این، ما یکی از ده کشور دنیا هستیم که ایسن توانایی را داریم، یعنی من به شما عرض کنم: در میان دو‌یست‌وچند کشور دنیا، ده کشور هستند که قادرند غنی‌سازی بکنند، یکی از این ۱۰ کشور ایران اسلامی است. و دیگران، آن ۹ کشور دیگر البته بمب هسته‌ای هم دارند، ما هستیم که بمب هسته‌ای نداریم و نخواهیم داشت و بنا نداریم که از سلاح هسته‌ای استفاده کنیم اما غنی‌سازی را داریم.

● ما یکی از ۱۰ کشور این صنعت سرآمد محسوب می‌شویم، و این دانشمندی که عرض کردم، بنیان این کار را گذاشتند، مبالغ زیادی پیش بردند اما کار مهم‌ترشان عبارت بود از تربیت افراد فراوانی در این راه.

● ما امروز در کشور ده‌ها دانشمند و استاد می‌ز؛ این گزاشی است که صاحبان قضیه به ما دادند، یعنی یک گزارش متفن و موثق است، ده‌ها دانشمند و استاد می‌ز، صدها دانش‌پژوه و هزاران تربیت‌شده‌ی گروه‌های هسته‌ای در رشته‌های گوناگون مرتبط با این موضوع در حال فعالیت‌اند، همین‌الان.

● حالا این‌ها آمدند تأسیسات فلان جا و فلان جا را بمباران کردند. مسئله این است. این علم است، علم از بین رفتنی نیست، علم با بمب و با تهدید و با این چیزها از بین نمی‌رود، این وجود دارد.

● در اظهارات اهل سیاست، مسئله‌ی مذاکره‌ی با آمریکا زیاد مطرح می‌شود، نظرات مختلفی هم هست، بعضی‌ها گفتم، این را مفید می‌دانند، لازم می‌دانند، بعضی‌ها مضر می‌دانند، بعضی‌ها نظرات میانه‌تری دارند، حرف‌ها مختلف است.

● من آنچه را که تا حالا در این سال‌های متمادی فهمیدم، دیدم، احساس کردم و تجربه کردم را به ملت عزیزمان عرض می‌کنم.

● حرف من این است که در حال حاضر با وضعیتی که وجود دارد، حالا ممکن است ۲۰ سال دیگر، ۳۰ سال دیگر وضعیت دیگری وجود داشته باشد، با او کاری نداریم، در وضع کنونی مذاکره‌ی با دولت آمریکا اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد.

● یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند. مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً.

● البته در این چند دهه که ما این کارها را [در مسئله غنی‌سازی] در کشور انجام دادیم، فشارها هم روی ایران، روی مسئولین کشور، روی دولت‌هایمان، بسیار زیاد بوده که خواستند با این فشارها ایران دست از این کار بردارد، ما تسلیم نشدیم و نخواهیم شد. ● ما تسلیم فشار در این قضیه و در هر قضیه‌ی دیگری، تسلیم فشار نشدیم و نخواهیم شد. حالا این باباً، طرف آمریکایی، یا را در یک کفش کرده که ایران باید غنی‌سازی نداشته باشد، حالا دیگران، قبلی‌ها می‌گفتند که غنی‌سازی بالا نداشته باشید یا محصولات غنی‌سازی‌تان را در کشور نگه ندارید، این چیزها را می‌گفتند که ما قبول نداشتیم، این می‌گوید اصلاً غنی‌سازی نداشته باشید، اصلاً به‌کلی غنی‌سازی نداشته باشید. یعنی چه؟

● یعنی این دست‌آورد بزرگی که برای آن کشورمان این همه تلاش

انتقاد از زمین وزمان

رئیس‌جمهور آمریکا به انتقاد آشکار از سازمان ملل پرداخت و تغییرات اقلیمی را کلاهبرداری تاریخ خواند

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با تأکید بر دستاوردهای خود، آمریکا را در دوره‌ای طلایی معرفی کرد و گفت اقتصاد، ارتش، مرزها و روحیه ملی کشور در بهترین وضعیت ممکن قرار دارند. او کاهش تورم، کاهش قیمت انرژی و کالاهای روزمره، افزایش حقوق کارگران و رشد بی‌سابقه بازار سهام را از دستاوردهای دولت خود برشمرد و افزود که طی ۸ ماه گذشته، سرمایه‌گذاری خارجی به ارزش بیش از ۱۷ تریلیون دلار جذب شده و آمریکا با کاهش مالیات و مقررات، محیطی جذاب برای کسب‌وکارها ایجاد کرده است.

ترامپ با اشاره به کنترل مهاجرت غیرقانونی در مرزهای جنوبی گفت که ورود غیرقانونی مهاجران طی ۴ ماه گذشته به صفر رسیده و سیاست‌های جدید مرزی، از جمله همکاری با السالوادور، موفقیت‌آمیز بوده است. وی تأکید کرد که پیام آمریکا روشن است: مهاجرت غیرقانونی غیرقابل قبول است و افراد یا بازگردانده می‌شوند یا مجازات می‌شوند. در عرصه بین‌المللی، ترامپ مدعی

شد که آمریکا دوباره احترام جهانی پیدا کرده و ناتو متعهد شده، بودجه نظامی خود را افزایش دهد. او روابط خود را با کشورهای خلیج فارس و متحدان جهانی احیا کرده و قراردادهای اقتصادی و نظامی با انگلیس، اتحادیه اروپا، ژاپن، کره جنوبی و دیگر کشورها امضا کرده است. ترامپ گفت که در ۷ ماه توانسته به ۷ جنگ طولانی‌مدت پایان دهد از جمله در مناطق کامبوج، کوزوو، جمهوری کنگو، اسرائیل و ایران، بدون کمک سازمان ملل. تمرکز مهم سخنرانی ترامپ بر ایران و تهدیدهای هسته‌ای بود. او گفت که پیشنهاد سخاوتمندانه‌ای به رهبر ایران برای همکاری و تعلیق برنامه هسته‌ای این کشور ارائه اما ایران آن را رد کرد و همچنان به تهدید همسایگان و منافع آمریکا ادامه می‌دهد. ترامپ مدعی شد که در عملیات نظامی «چکش نیمه‌شب» تأسیسات هسته‌ای ایران توسط ۷ بمب افکن B-۲ نابود شد و بلافاصله به جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و ایران پایان داده شد. او تأکید کرد که مهار برنامه هسته‌ای ایران، اولویت اصلی آمریکاست و بسیاری از فرماندهان نظامی ایران در جریان این اقدامات کشته شده‌اند. ترامپ همچنین به وضعیت غزه و فلسطین اشاره کرد و گفت، حماس پیشنهادهای صلح را رد کرده و برخی کشورها با به رسمیت شناختن یک‌جانبه فلسطین به تروریسم پاداش می‌دهند. او بر لزوم آزادی همه

گروگان‌ها و پایان فوری درگیری‌ها تأکید کرد و افزود که آزادی همه ۲۰ گروگان و بازگرداندن اجساد جان‌باختگان ضروری است. در مورد جنگ اوکراین، ترامپ گفت که این جنگ باید ظرف یک هفته پایان می‌یافت و ادامه آن نشان‌دهنده رهبری ضعیف جهانی است. او کشورهای خریدار نفت روسیه از جمله هند و چین و حتی اعضای ناتو را به تأمین مالی این جنگ متهم و تأکید کرد که توقف خرید نفت روسیه برای پایان دادن به درگیری‌ها ضروری است. ترامپ سازمان ملل را ناکارآمد خواند و گفت که اقدامات قاطع نه بیانیه‌های پرطمطراق، عامل اصلی پایان جنگ‌ها و نجات جان‌هاست. او افزود که نجات انسان‌ها برایش مهم‌تر از دریافت جوایز بین‌المللی است و هدفش ایجاد جهانی امن‌تر و شکوفاتر است. در بخش ایران، ترامپ با لحن تهاجمی گفت که آمریکا هرگز اجازه نمی‌دهد، ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد و ادعا کرد که



پیشنهاد سخاوتمندانه او برای تعلیق برنامه هسته‌ای ایران رد شده است. او همچنین مدعی شد که با عملیات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، توانسته قدرت غنی‌سازی این کشور را از بین ببرد و جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و ایران را خاتمه دهد. ترامپ تأکید کرد که کنترل تهدیدات هسته‌ای ایران، اولویت اصلی امنیت ملی آمریکاست و بسیاری از فرماندهان نظامی ایران در جریان این اقدامات کشته شده‌اند.

در مجموع سخنرانی ترامپ حول محور موفقیت‌های اقتصادی، کنترل مهاجرت، قدرت دیپلماتیک و نظامی آمریکا، مهار تهدیدهای هسته‌ای ایران و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای از جمله غزه و اسرائیل-ایران بود. او با انتقاد از نقش ناکارآمد سازمان ملل و برخی کشورهای جهان بر لزوم اقدامات قاطع و همکاری جهانی برای امنیت و صلح تأکید کرد.

دیپلماسی

دیپلماسی در آستانه اسنپ‌بک

ایران و اروپا در نیویورک به جست‌وجوی راه حل رفتند

گروه بین‌الملل: در نیویورک و هم‌زمان با آغاز نشست مجمع عمومی سازمان ملل، آخرین تلاش‌ها برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران در جریان است. یک مقام ارشد ایرانی روز دوشنبه به خبرنگار رویترز گفت: «از صبح امروز ایران در سازمان ملل با مقامات سه کشور اروپایی همچنین رافائل گروسی در تماس بوده است. ایده‌های مختلفی مطرح و مورد بحث قرار گرفته است». او تأکید کرد که مسیر دشواری پیش روی مذاکره‌کنندگان است اما هنوز «پنجره امید» بسته نشده است.

از سوی دیگر، یکی از دیپلمات‌های اروپایی حاضر در مذاکرات هشدار داد: «شانس موفقیت همچنان بسیار کم است. ما در آستانه پایان مهلت ۳۰ روزه قرار داریم و اگر تا بیست‌هفتم سپتامبر توافقی به دست نیاید، تحریم‌ها به‌طور خودکار بازخواهد گشت». او افزود که لندن، پاریس و برلین، ایران را مسئول این وضعیت می‌دانند زیرا «تهران تعهدات برجامی خود را زیر پا گذاشته و غنی‌سازی را به سطحی رسانده که هیچ توجیه صلح‌آمیزی ندارد». رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در مصاحبه‌ای با خبرنگاری فرانسه گفت: «روشن است که این یک مقطع بسیار دشوار است. ما با وضعیت بسیار سختی روبه‌رو هستیم. اما نکته مهم این است که ارتباطات برقرار است و ما تلاش می‌کنیم اگر امکان فراهم شد، دیدارهای بیشتری در نیویورک داشته باشیم». او در پاسخ به پرسشی درباره اینکه آیا فعال شدن مکانیسم اسنپ‌بک می‌تواند، روند همکاری ایران و آژانس را نابود کند، توضیح داد: «فکر نمی‌کنم این اتفاق بیفتد. باید میان سازوکار تحریم‌ها و روابط فنی ایران و آژانس، تمایز قائل شد. این روابط باید دائمی باشند نه مشروط به فشارهای سیاسی». در گفت‌وگوی دیگری با شبکه الجزیره، گروسی هشدار داد: «اگر تحریم‌ها بازگردند، ایران همان‌طور که مقاماتش گفته‌اند ممکن است، همکاری‌های خود را محدود کند. به همین دلیل این روزها شاهد فعالیت دیپلماتیک فشرده‌ای میان ایران، تروینکای اروپایی، خود ما همچنین ایالات متحده هستیم تا راهی برای پیش‌رو پیدا کنیم». او درباره سطح رضایت خود از همکاری ایران نیز گفت: «این یک پروسه است. همان‌طور که می‌دانید حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران، تغییرات زیادی ایجاد کرده است. بازرسی‌ها باید متوقف می‌شد چون تأسیسات زیر بمباران بود. اکنون باید راهی برای بازگشت به شرایط عادی پیدا کنیم».

مقام ایرانی دیگری با اشاره به همین موضوع گفت: «ایران قانونی را در داخل تصویب کرده که سازوکارهای جدیدی برای بازرسی‌ها ایجاد کرده است. ما باید بر سر میز مذاکره بنشینیم تا برای تطبیق این قوانین داخلی با الزامات بین‌المللی، راه‌حلی بیابیم». او تأکید کرد که ایران حاضر نیست امنیت و استقلال خود



را قربانی خواسته‌های سیاسی غرب کند.

در همین حال عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، پس از دیدار با گروسی گفت: «ایران با حسن‌نیت و رویکردی مسئولانه به دنبال حل‌وفصل مسائل است. اما هرگونه پیشرفت منوط به این است که طرف‌های مقابل هم مسئولیت‌پذیر باشند و از زیاده‌خواهی و سوءاستفاده از شورای امنیت برای فشار بر ایران دست بردارند». او هشدار داد: «اگر تحریم‌ها بازگردند، ایران بی‌پاسخ نخواهد ماند».

یک دیپلمات اروپایی که نخواست نامش فاش شود در واکنش به اظهارات عراقچی گفت: «ما به دنبال فشار به ایران نیستیم. هدف ما بازگشت ایران به تعهداتش است. ایران باید روشن کند که ذخایر اورانیوم غنی شده کجاست. این مسأله برای ما کلیدی است». او اضافه کرد که اروپا آماده گفت‌وگو است اما «توب در زمین ایران» قرار دارد.

گروسی نیز در تکمیل این موضوع به خبرنگاران گفت: «ایران اورانیوم با غنای بالا در اختیار دارد که در تأسیسات نگهداری می‌شود. مقامات ایرانی می‌گویند این مواد در جریان حملات مدفون شده‌اند. ما به آنها اطمینان داده‌ایم که بازرسی‌ها صرفاً فنی است و ارتباطی با اقداماتی که کشورها ممکن است اتخاذ کنند، ندارد. امیدوارم بتوانیم به سطح همکاری بیشتری برسیم». یک مقام ایرانی اما در پاسخ به این نگرانی‌ها گفت: «ایران حق دارد در برابر حملات به تأسیسات خود محتاط باشد. امنیت ملی ما خط قرمز است. با این حال ما همچنان به گفت‌وگو پایبندیم». او همچنین یادآور شد که اگر اسنپ‌بک فعال شود، «نه تنها

اقتصاد ایران آسیب خواهد دید بلکه همکاری اخیر با آژانس نیز زیر سؤال خواهد رفت».

نشست اضطراری ایران و سه کشور اروپایی با حضور کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، عصر دوشنبه در نیویورک برگزار شد. کالاس پس از نشست به خبرنگاران گفت: «زمان بسیار اندک است. ما تلاش می‌کنیم، راه‌حلی پیدا کنیم که مانع بازگشت تحریم‌ها شود. اما این امر نیازمند اراده از سوی همه طرف‌هاست».

عراقچی پس از همان نشست تأکید کرد: «ایران آماده است در صورت تحقق شرایط مشخص به تعهدات خود بازگردد. ما به دنبال منافع خود هستیم و هر توافقی باید این منافع را تضمین کند». او بار دیگر هشدار داد: «اگر اروپایی‌ها مسیر فشار را ادامه دهند، ایران گزینه‌های متعددی روی میز دارد از جمله بازنگری در عضویت در معاهده NPT».

رافائل گروسی در آخرین اظهارنظر خود شب گذشته بار دیگر تأکید کرد: «این روزها شاهد تلاش‌های دیپلماتیک زیادی هستیم. هیچ تضمینی برای موفقیت وجود ندارد اما ارتباطات برقرار است و این نکته‌ای مثبت است». او گفت: «همه ما امیدواریم این ارتباطات بتواند به کاهش تنش کمک کند». در حالی که تنها چند روز به پایان مهلت باقی مانده، فضای مذاکرات همچنان پرتنش است. یک مقام ایرانی در پایان روز به خبرنگاران گفت: «ما می‌دانیم که ساعات سرنوشت‌سازی پیش‌رو داریم. یا توافقی به دست خواهد آمد یا تحریم‌ها بازمی‌گردند. در هر دو حالت، ایران آماده پاسخ است».

اروپا

مسکوصبر ناتورا محک می‌زند

نقض حریم هوایی نروژ و دانمارک توسط روسیه

نفوذ روسیه به حریم هوایی نروژ و دانمارک نگرانی‌های جدی امنیتی در شمال اروپا ایجاد کرده و الگوی افزایش تنش‌های منطقه‌ای را نشان می‌دهد. بین آوریل و آگوست ۲۰۲۵ نروژ سه مورد نقض حریم هوایی خود توسط هواپیماهای روسیه را گزارش کرد که اولین مورد در بیش از یک دهه بود. این تجاوزها که بر فراز دریای بارتنتس و منطقه فینمارک رخ داد بین یک تا چهار دقیقه طول کشید. دولت نروژ هنوز مشخص نکرده است که این نفوذهای عمدی بوده یا ناشی از خطای ناوبری بوده‌اند اما نخست‌وزیر یونس گاراستوره تأکید کرد که چنین نقض‌هایی غیرقابل قبول است. نروژ نگرانی‌های خود را رسماً به مقامات روسیه اعلام کرده است. ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵ پهپادهای ناشناس ترافیک هوایی فرودگاه کپنهاگ را مختل کرده و باعث تعطیلی موقت آن شدند. در حالی که منشأ این پهپادها هنوز تأیید نشده، مقامات احتمال داده‌اند که ممکن است توسط عامل ماهری هدایت شده باشند و هدفشان شناسایی بوده باشد. نخست‌وزیر دانمارک، مت فریدریکسن این حادثه را جدی‌ترین حمله به زیرساخت‌های حیاتی دانمارک تا به امروز توصیف کرد.

ادامه یادداشت روز

پیشی گرفتن زنان از مسئولان

۵ از نگاه سلبی با توجه به قانون غیرکاربردی، ناعادلانه و غیرمنطبق با مطالبات زنان، شرایط روز و حتی دین اسلام، قانون‌گریزی به حق دختران و نافرمانی مدنی آنها که مبتنی بر درک اجتماعی و فهم جنسیتی درست است باید برای قانون‌گذاران و مجریان قانون، قابل تامل بوده و به دنبال رفع موانع و تبعات منفی آن باشند. بدین ترتیب سازمان زنان حزب کارگزاران سازندگی ایران نیز پیشنهادی برای ارائه به دولت با هدف رفع موانع قانونی برای صدور گواهینامه موتور برای زنان تدوین کرده است. این طرح بر لزوم حذف عبارت «برای مردان» از تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات ۱۳۹۸ تأکید دارد و در تلاش است که فرآیند قانونی این اصلاح حقوقی در بهروز کردن قوانین و هماهنگی با شرایط اجتماعی و مطالبات جامعه انجام پذیرد. در نهایت آنچه که باید ده‌ها پیش محقق می‌شد به دلایلی عمدتاً سیاسی، تفسیر غیرمعتبر دینی و تنگ‌نظری‌های شخصی به تعویق افتاده است. حال که امروزه دولت دریاخته باید این مشکل برطرف شود، امیدوارم بدون تعلل شاهد اجرایی شدن و به نتیجه رسیدن این نیاز به حق دختران و زنان کشورمان باشیم.

نامزدان ایرانی بریکس

معرفی رضا امیرخانی، مجید قیصری و منصور علیمرادی به جایزه بریکس



با انتشار فهرست بلند جایزه ادبیات بریکس که در دومین مجمع بریکس با عنوان «ارزش‌های سنتی» در برازیلیا اعلام شد ۲۷ نویسنده از جمله ۳ نویسنده ایرانی منصور علیمرادی، مجید قیصری و رضا امیرخانی وارد این رقابت شدند.

این جایزه بین‌المللی که به تازگی تأسیس شده برای حمایت از نویسندگانی فعالیت می‌کند که آثارشان منعکس‌کننده سنت‌ها و تنوع فرهنگی کشورهای شرکت‌کننده باشد.

فهرست بلند شامل ۲۷ نویسنده از کشورهای مختلف است که عبارتند از:

- منصور علیمرادی، مجید قیصری و رضا امیرخانی از ایران
- الکسی وارلاموف، آندری گلاسیموف و دیمیتری دانیلوف از روسیه
- آنا ماریا گونسالوس، پاتریشیا ملو و ریکاردو آلیجو از برزیل
- جای واساوادا، دکتر راجان کومار و سونو ساینی از هند

- ما بیون و آیی از چین
- یونگکا ملونگو، انتابیسینگ جاروس جافتا و زینب خان از آفریقای جنوبی
- علی بن تمیم، میسون سکر و ریم الکمالی از امارات متحده عربی
- آبره آدامو از اتیوپی

- ایکاساکه بانو، اینتانا پارامادایتو و دنی جی از اندونزی
 - ابراهیم عبدالمگوبید، سلوا بکر و فتحی امبابی از مصر
- در دومین مجمع بریکس برای بررسی ارزش‌های سنتی، بیانیه‌ای درباره تأسیس شبکه ادبیات بریکس امضا شد. شبکه ادبیات بریکس؛ انجمن جدیدی از اتحادیه‌های نویسندگان، محققان ادبی و ناشران کشورهای بریکس را دربرمی‌گیرد و ابتکار ایجاد آن از سوی همکاران چینی در جلسه‌ای با اتحادیه نویسندگان چین در تاپستان امسال مطرح شد تا به همکاری فرهنگی بین کشورهای عضو کمک کند. هدف این انجمن، توسعه تبادُل فرهنگی مداوم و هماهنگی تلاش‌ها در حوزه ادبیات همچنین حمایت از کمیته سازماندهی جایزه است. این انجمن توسط یک نهاد دانشگاهی اداره خواهد شد و به این منظور دو رئیس مشترک انتخاب شده‌اند: مارکوس فریتاس، رئیس آکادمی ادبیات برزیل به عنوان نماینده برزیل و وادیم ترخین، عضو اتحادیه نویسندگان روسیه که به توصیه مارکوس فریتاس، نماینده روسیه، به این سمت منصوب شد. نمایندگان دیگر کشورهای بریکس در این نهاد دانشگاهی خدمت خواهند کرد و در دوره‌های بعد نامزد خواهند شد. جایزه ادبی بریکس شامل یک جایزه یک میلیون روبلی است که توسط آژانس کتاب اوراسیا ارائه می‌شود. فرآیند انتخاب طی چند مرحله با یک لیست اولیه در ماه سپتامبر آغاز شد. در مرحله بعد فهرست نهایی در ماه اکتبر و اعلام برنده نهایی در نوامبر ۲۰۲۵ در مسکو انجام می‌شود. ایده تأسیس این جایزه در نوامبر ۲۰۲۴ در زمان ریاست روسیه بریکس در اجلاس مسکو با تمرکز بر «ارزش‌های سنتی» مطرح شد.

هیأت داوری نخستین جایزه ادبی بریکس متشکل از متخصصان حوزه ادبیات کشورهای عضو بریکس است و هر کشور می‌توانست حداکثر سه نویسنده را برای دریافت این جایزه نامزد کند. انتخاب برنده این جایزه در سال جاری میلادی (۲۰۲۵) شامل سه مرحله خواهد بود: اعلام فهرست اولیه کشورها برای نامزدی این جایزه (سپتامبر،

برزیل)، فهرست نهایی (اکتبر، شانگهای) و برنده (نوامبر، مسکو).

ادبیات به عنوان پلی بین تمدن‌ها

سرگنی استپاشین، رئیس اتحادیه کتاب روسیه و عضو هیأت داوری جایزه کتاب بریکس در نشست فراخوان این جایزه که نیمه اول تیر برگزار شد به نمایندگی از این کشور گفت: «این جایزه با هدف توسعه گفت‌وگوی فرهنگی و ترویج ارزش‌های سنتی اهدا می‌شود. شرکت‌کنندگان در این رقابت ادبی بین‌المللی از این فرصت برخوردار هستند که آثار خود را به مخاطبان گسترده‌ای ارائه دهند چراکه کشورهای عضو گروه بریکس بیش از سه میلیارد نفر جمعیت دارند. ادبیات ابزاری ضروری برای درک متقابل است. از طریق آثار هنری، ما تعصبات را از بین می‌بریم، همدلی ایجاد می‌کنیم و روابط بین مردم خود را تعمیق می‌دهیم. من متقاعد شده‌ام که جایزه ادبیات بریکس، گامی اساسی در جهت تقویت اعتماد، احترام متقابل و همکاری مثمرتر بین کشورهای بریکس است.

ادبیات به‌عنوان زبان مشترک

مسعود احمدوند، رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در روسیه و عضو هیأت داوران جایزه ادبی بریکس نیز در سخنان خود در این نشست به نمایندگی از ناشران، نویسندگان و مترجمان ایرانی گفت: «ادبیات به عنوان زبان مشترک انسان‌ها، مرزهای جغرافیایی و سیاسی را درمی‌نوردد و قلب‌ها را به هم پیوند می‌زند. از طریق شعر، داستان و افسانه، ما نه تنها فرهنگ و تاریخ خود را به دیگران معرفی می‌کنیم بلکه رنج‌ها، آرزوها و رویاهای مشترک بشریت را باز می‌گویم. در ادبیات فارسی، این میراث مشترک بشری، پیام‌های انسان‌دوستانه و صلح‌جویانه همواره نقش محوری داشته‌اند. سعدی قرن‌ها پیش به ما آموخت که «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند»: جهان ما امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند این پیام صلح و همبستگی است. حافظ، شاعر صلح و دوستی در اشعارش بارها بر وحدت انسانی تأکید کرد و گفت: «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است – با دوستان مروت، با دشمنان مدارا»؛ مولانا جلال‌الدین بلخی نیز با مثنوی معنوی خود مرزهای جغرافیایی را درنوردید و پیام عشق و صلح را به جهانیان رساند اما نباید از نظر دور داشت در همین ادبیات فارسی نیز که همواره از صلح سخن رفته بر مقاومت و ایستادگی در برابر تجاوز دشمن نیز تأکید بسیار شده است. آثار کلاسیکی چون شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی تماماً بر مبنای نبرد پهلوانان ایرانی با دشمنان نگارش شده و بخش مهمی از ادبیات معاصر ایران که «ادبیات مقاومت» نامیده می‌شود، برگرفته از تجربه ایستادگی مردم ایران در ۸ سال جنگی است که از سال ۱۳۵۹ شمسی، عراق با پشتیبانی کشورهای غربی بر ایران تحمیل کرد. در آثاری که برای جایزه ادبی بریکس از سوی داوران ایرانی نامزد می‌شوند، پرداختن به جنگ و صلح و انسانیت به روشنی مشهود خواهد بود. در کشورهای بریکس، ادبیات همواره حامل پیام‌های انسان‌دوستانه بوده است. از روسیه، تولستوی در «جنگ و صلح» پوچی جنگ را فریاد زد و به ما آموخت که صلح، تنها نبود جنگ نیست بلکه احترام به کرامت انسانی است. داستایفسکی در «برادران کارامازوف» نوشت: «همه در برابر همه چیز مسئولیم.»

بزم برای رزم

نقش موسیقی در دوران دفاع مقدس و تأثیر آن بر جامعه

موسیقی همواره در تاریخ جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی دنیا نقش تأثیرگذاری برای تهییج مبارزان و تقویت روحیه آنان داشته و از آغاز تاریخ بشریت، موسیقی و جنگ با یکدیگر پیوند داشتند و موسیقی نه تنها به عنوان هنری زیبا که امروزه می‌توان با اسپیکر یا هدفون خود به آن گوش داد بلکه به عنوان ابزاری قدرتمند در عرصه‌های نظامی و روان‌شناختی به کار گرفته شده است. موسیقی در جنگ شکلی از ارتباطات استراتژیک و یک سلاح روانی تأثیرگذار بوده که می‌تواند روحیه سربازان را بالا ببرد، نظم و هماهنگی ایجاد کند و حتی دشمن را به وحشت اندازد. از زمان‌های دور، ارتش‌های یونان و روم با استفاده از سازهای برنجی و کوبه‌ای به خواندن دلاوری‌های قهرمانان گذشته و انتقال دستورات جنگی پرداختند و این سنت تا به امروز در قالب‌های مدرن‌تر ادامه یافته است. موسیقی نه تنها یک فن است که باید آن را آموخت بلکه یک هنر است که باید آن را درک کرد. این ابزار قدرتمند، هنگامی که به درستی استفاده شود، می‌تواند نقشی کلیدی ایفا و به عنوان پلی بین فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت عمل کند. موسیقی در جنگ، بیش از یک سلاح یا ابزار ارتباطی، نمادی از انسانیت مشترک بین جنگ‌زدگان در هر دو سوی میدان جنگ است.

ایران زمانی با حمله یعنی‌های عراق مواجه شد که در روزهای ابتدایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قرار داشت؛ جنگ تحمیلی ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ آغاز شد، زمانی که مردم ایران مراحل ابتدایی انقلاب اسلامی را در تمام زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تجربه می‌کردند که موسیقی نیز بخشی از آن بود. در آن زمان هیچ پیشینه‌ای برای ساخت آثار موسیقایی مرتبط با دفاع مقدس وجود نداشت. با این وجود، برخی از هنرمندان موسیقی سعی کردند با ساخت آثاری همچون سرودهای حماسی ضمن تقویت روحیه رزمندگان، روایت ایثارگری‌ها و مجاهدت‌های آنان با زبان موسیقایی، مردم را با این جریان همراه کنند، بعضی از این آثار ماندگار شده و زمینه‌ای را برای ساخت دیگر آثار موسیقایی فراهم کردند. «خجسته باد این پیروزی» با شعری از حمید سبزواری،

انیمیشن

آهنگ‌سازی احمدعلی راغب و خوانندگی محمد گلرین، «شب نورد» با شعر اصlan اصلانیان، آهنگ‌سازی محمدرضا لطفی و خوانندگی محمدرضا شجریان، «کاروان شهید» با شعر محمد ذکایی، آهنگ‌سازی محمدرضا لطفی و خوانندگی شهرام ناظری، «کجایید ای شهیدان خدایی» با شعری از مولانا، آهنگ‌سازی هوشنگ کامکار و خوانندگی بیژن کامکار، «خلبانان» با شعر و آهنگسازی بابک رادمنش و خوانندگی جمشید نجفی، «دایه دایه وقت جنگه» با خوانندگی رضا سقایی و تنظیم مجتبی میرزاده، «همپای جلودار» با شعری از حمید سبزواری، دکلمه محمدعلی معلم‌دامغانی و خوانندگی حسام‌الدین سراج و «گلبرگ سرخ لاله‌ها» با شعری از سپیده کاشانی، آهنگ‌سازی و خوانندگی حسام‌الدین سراج از جمله این آثار هستند که ماندگار شدند و همچنان شنیدنی هستند. مستند «بزم رزم» که سال ۱۳۹۵ ساخته شده با رویکرد آرشیوی و روایی، تصویری متفاوت از وضعیت موسیقی در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ ارائه می‌دهد: دوره‌ای که غالب روایت‌ها آن را بدون فعالیت‌های رسمی موسیقایی می‌دانند. اما «بزم رزم» قصد دارد این تصور رایج را به چالش بکشد. با بهره‌گیری از حجم قابل توجهی از تصاویر و صداهای آرشیوی، گفت‌وگو با هنرمندان برجسته و تحلیل نقش موسیقی در فضای انقلابی و جنگی آن دهه داستانی از فراز و نشیب هنر در سایه سیاست را روایت می‌کند و روایت‌گر تاریخ موسیقی ایران در دهه ۶۰ تلفیقی از هنر، سیاست و جامعه در دوران جنگ و انقلاب است.

نقش موسیقی در ایجاد هم‌دلی، پاک‌دلی و انسجام

رضا مهدوی موسیقیدان، نوازنده سنتور، مدرس دانشگاه، پژوهش‌گر و کارشناس موسیقی در گفت‌وگو با ایرنا درباره نقش موسیقی در دوران دفاع مقدس گفت: «موسیقی جنگ از دیرباز در تمامی ممالکی که جنگ را تجربه کرده‌اند وجود داشته، غربی‌ها به آن‌ها «مارش» می‌گویند و ما ایرانیان به آن موسیقی «رزم» می‌گوییم. ۸ سال جنگ تحمیلی با دفاع مقدس به نوعی به وجود آورنده ریتم و

سرقت تازه خلافکاران بازنشسته

رفقای بد ۲ نشان داد دنباله‌سازی در انیمیشن همیشه ناموفق نیست

خبر ساخت دنباله این انیمیشن را اعلام کرد که در آن پریفِل و گروه صدایشگان بازمی‌گردند و سازنه به عنوان کارگردان مشترک فعالیت خواهد کرد. «رفقای بد ۲» در اول آگوست ۲۰۲۵ توسط یونیورسال پیکچرز در ایالات متحده اکران و با واکنش مثبت منتقدان مواجه شد و بیش از ۲۰۳ میلیون دلار در سراسر جهان فروش داشت. با اینکه

وقتی یک انیمیشن مورد توجه واقع می‌شود، همه چیز دست به دست هم می‌دهد تا دنباله آن هم ساخته شده و دوباره نظرها را به خود جلب کند. به دنبال موفقیت قسمت اول انیمیشن «رفقای بد» دریم‌ورکس تمام تلاش خود را کرد که قسمت دوم این انیمیشن را هم راهی سینماها کند. این کارتون دنباله انیمیشنی است که در سال ۲۰۲۲ اکران شده بود و برخلاف ضعف‌های بسیار زیاد به فروش خوبی رسید. حال قسمت دوم این انیمیشن یک پله رو به جلو برای اکشن و کمدی روان قسمت قبلی‌اش محسوب می‌شود. این انیمیشن توانست، جذابیت‌های موفق قسمت قبلی را بالاتر ببرد و همان ریتم درست خودش را به شکلی منظم‌تر اما در مقیاسی گسترده‌تر تکرار کند.

«رفقای بد ۲» داستان گروهی از قانون‌شکنان را در قامت حیوانات دنبال می‌کند که در تلاش هستند تا به‌عنوان رفقای خوب، اعتماد جامعه را جلب کنند تا بتوانند جایگاهی در زندگی جدید خود به‌دست بیاورند. با این حال آنها مجبور می‌شوند تا بازنشتگی خود را کنار گذاشته و این بار توسط گروهی از خلافکاران زن مجبور به انجام آخرین کار می‌شوند. آقای گرگ، آقای مار، آقای پیرانا، خانم عنکبوت و آقای کوسه که روزی خلافکاران ترسناکی بودند حالا همه تلاش‌شان را می‌کنند تا ثابت کنند، می‌توانند خوب باشند. اما درست وقتی که تصور می‌کنند، گذشته را پشت سر گذاشتند، پایشان به ماجراجویی تازه و بزرگ باز می‌شود. سرقتی نفس‌گیری و پرهیجان که نقشه‌اش را نه خودشان بلکه یک گروه تازه نقش متشکل از زنان خلافکار کشیده‌اند. گروهی که دختران بد نام دارند و بسیار خطرناک هستند. این انیمیشن، کمدی اکشن آمریکایی است که براساس مجموعه کتاب‌های کودکان به نام «بچه‌های بد» نوشته آرون بلیبی ساخته شده و توسط دریم‌ورکس تولید شده است. پیر پریفِل و جیپی سازنه به‌طور مشترک کارگردانی فیلم و یونی برتر و ایتان کونن، نویسندگی آن را برعهده دارند. پریفِل مارس ۲۰۲۲ اعلام کرد که دوست دارد، دنباله‌ای برای رفقای بد بسازد قبل از اینکه اولین فیلم اکران شود. دو سال بعد، دریم‌ورکس





مخالفات‌ها نتیجه داد

جیمی کیمل با فشار بزرگان هالیوود به برنامه خود بازگشت

کنیم. این تصمیمی بود که ما گرفتیم زیرا احساس کردیم، برخی از نظرات بی‌موقع و غیرمنطقی بودند. روزهای گذشته را نیز صرف گفت‌وگوهای متفکرانه با جیمی کردیم و پس از آن تصمیم گرفتیم که برنامه را از سه‌شنبه برگردانیم.

تصمیم دیزنی برای کنار گذاشتن یکی از شخصیت‌های برجسته خود پس از آن اتخاذ شد که دو مالک اصلی ایستگاه یعنی نکس‌استار میدیا و سینکالر پس از مونولوگی که کیمل دوشنبه گذشته درباره ترور چارلی کرک، فعال محافظه‌کار مطرح کرد، اعلام کردند که از ادامه برنامه او جلوگیری خواهند کرد.

پس از اینکه کیمل از برنامه کنار گذاشته شد، دیزنی با اعتراض بسیار روبه‌رو شد که آخرین اقدام در این زمینه نامه ۴۰۰ سلب‌ریتی بود.

به گفته یک فرد داخلی، مدیران دیزنی بر اساس آنچه برای شرکت بهتر بود، عمل کردند نه بر اساس فشار عوامل خارجی. در واقع هنوز مشخص نیست که آیا همه شرکت‌های وابسته به ای‌بی‌سی، برنامه کیمل را پخش خواهند کرد یا خیر.

مشخص نیست که آیا کیمل بابت اظهاراتش عذرخواهی خواهد کرد یا خیر اما روشن خواهد شد که او و مدیران دیزنی به چه توافقی دست یافته‌اند. پیش از این مدیران برنامه‌های آخر شب مجبور شدند برای اظهاراتی که توهین‌آمیز بود، عذرخواهی کنند که دیوید لترمن، بیل ماهر و سامانتا بی‌ی جمله آنها بودند.

سخنان کیمل درباره برخی نظریه‌ها در مورد مرگ کرک، محافظه‌کاران را آزرده کرد. کیمل در سخنان خود ترور این چهره محافظه‌کار را به دارودسته «ماگا» حامیان ترامپ نسبت دارد و گفت آنها سعی داشتند این بچه‌ای که چارلی کرک را کشته به دیگران منتسب کنند.

تصمیم دیزنی موجب شد، اعتراض فراوانی به رابطه شرکت‌های رسانه‌ای سنتی در دورانی که کاخ سفید و کمیسیون ارتباطات فدرال به گزارش‌های فردی حمله می‌کنند، صورت بگیرد. ترامپ در ماه‌های اخیر فشار زیادی به برنامه‌های خبری وارد و غرامت‌های چند میلیون دلاری دریافت کرد اگرچه کارشناسان این پرونده‌های حقوقی را کاملاً بی‌اساس می‌دانستند.

ادامه «برنامه آخر شب» استیون کولبر در شبکه CBS که پربیننده‌ترین برنامه آخر شب تلویزیون بود، دقیقاً به این دلیل که مجری آن درباره آخرین عناوین خبری اظهارنظر می‌کرد و ترامپ هم یکی از سوزنده‌های اصلی انتقادهای وی بود به تازگی لغو شد و پارامونت به بهانه رکود تبلیغات از ادامه آن خودداری کرده است در حالی که این برداشت وجود دارد که دیوید الیسون، رئیس جدید پارامونت اسکای‌دنس می‌خواهد از جنجال‌های سیاسی بکاهد و مشتاق است تا پایگاه محافظه‌کاری را جذب کند.

انتظار می‌رود، قرارداد فعلی جیمی کیمل با ABC سال ۲۰۲۶ به پایان برسد.

پس از مخالفت بیش از ۴۰۰ چهره هالیوودی از تعلیق برنامه جیمی کیمل در یک نامه، شبکه ای‌بی‌سی به تعلیق برنامه زنده وی پایان داد و بازگشت جیمی کیمل محقق می‌شود. صدها سلب‌ریتی هالیوودی با امضای نامه‌ای سرگشاده از آزادی بیان حمایت و تعلیق برنامه جیمی کیمل را محکوم کردند. در نامه آنها آمده که تحت فشار قرار دادن هنرمندان، روزنامه‌نگاران و دیگران به دلیل اظهاراتشان با زبان تهدید «حمله‌ای به قلب معنای زندگی در کشوری آزاد» است.

رابرت دنیرو، مریل استریپ، جنیفر انیستون، جیسون بیتمن، جین فوندا، تام هنکس، مایکل کیتون، سلنا گومز، الیویا رودریگو، بن استیلر، جیمی لی کرتیس، مگی جیلن‌هال، مانوئل میراندا، ناتالی پورتمن و صدها سلب‌ریتی دیگر این نامه را امضا کردند.

جان الیور، مجری مشهور آمریکایی در برنامه هفتگی خود «هفته پیش امشب» بیشتر برنامه را به قتل کرک و تعلیق نامحدود جیمی کیمل در شبکه ABC اختصاص داد و در پایان تحلیل تحولات هفته گذشته از فرصت استفاده کرد تا مستقیم باب ایگر، مدیرعامل دیزنی را خطاب قرار دهد و به او توصیه کند که در برابر دولت ترامپ بایستد. الیور با شور و حرارت از جیمی کیمل و آزادی بیان در پی تعلیق برنامه شبانه وی دفاع کرد و به انتقاد از ترامپ و برندن کار، رئیس کمیسیون ارتباطات فدرال پرداخت و از باب ایگر مدیرعامل دیزنی، درخواست کرد که تسلیم خواست آنها نشود. وی گفت: دادن پول ناهار به قلدر باعث نمی‌شود که او برود فقط باعث می‌شود هر بار گرسنه‌تر برگردد. آنها هرگز متوقف نخواهند شد.

وی با تأکید بر اینکه اصلاً درباره توهین‌آمیز بودن اظهارات کیمل مطمئن نیست، افزود: گرچه می‌گویند، او برای اظهاراتش در مورد چارلی کرک یا حتی درباره مرگ وی به دردرس افتاده اما این کاملاً دقیق نیست. چون اولین نظرات کیمل پس از قتل او، پستی بود که با این مضمون نوشته شده بود: «می‌توانیم فقط یک روز قبول کنیم که شلیک به یک انسان دیگر وحشتناک و هولناک است؟ از طرف خانواده‌ام به خانواده کرک و همه کودکان، والدین و بی‌گناهانی که قربانی خشونت بی‌معنی با اسلحه می‌شوند، عشق می‌فرستم».

«برنامه زنده جیمی کیمل!» که هر شب ساعت ۱۱:۳۵ شب به وقت شرق آمریکا پخش می‌شود با حضور مجموعه‌ای متنوع از مهمانان از جمله افراد مشهور، ورزشکاران، هنرمندان موسیقی، کم‌دین‌ها و افراد پیگیر مسائل حقوق بشری با یک گروه موسیقی شکل می‌گیرد. دیزنی و ABC پس از تصمیم برای قطع این برنامه شبانه برای مدتی نامعلوم، این کم‌دین را دوباره با برنامه‌اش بازمی‌گردانند. این کمپانی در بیانیه‌ای اعلام کرد: چهارشنبه گذشته ما تصمیم گرفتیم تولید این برنامه را به حالت تعلیق درآوریم تا از شعله‌ور شدن بیشتر اوضاع پرتش در برهه‌ای احساس‌ساز برای کشورمان جلوگیری



آهنگ‌سازی احمدعلی راغب و تنظیم مجتبی میرزاده و صدای گلریز یکی از آثار ماندگار دفاع مقدس است که همچنان شنیدنی است.» مهدوی درباره تأثیر آثار دفاع مقدس بر تولیدات آثار موسیقی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه هم گفت: «متأسفانه آن چنان که باید، شاهد تولیدات اثرگذاری در این حوزه نبودیم، شاید دلیلش گذر زمان و شرایط کاملاً متفاوت در نوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بود که هیچ شباهتی به جنگ ۸ ساله نداشت و دلیل دیگر این که زمان این جنگ نسبت به ۸ سال دفاع مقدس بسیار کوتاه بود و ساخت و انتشار اثر موسیقایی به سادگی نیست، هرچند که محسن چاوشی میدان‌دار شد و اثر شاخص «علاج» را به گونه‌ای وزین و درخور توجه از خود به یادگار گذاشت.» مهدوی درباره تغییر ذائقه جامعه به خصوص نسل جوان و ساخت آثاری که برای آنان جذابیت و مقبولیت داشته باشد، گفت: «تمامی گونه‌های موسیقی ملی ایران همچون نواحی و اقوام، دستگاهی، مردموار(پاپ ایرانی)، تلفیقی، کودک و نوجوان، رزمی و حتی بزمی این قابلیت را دارند که با بهره‌گیری از تکنیک‌های روز اما براساس ریشه‌ها و نمونه‌های حداقل یکصد سال گذشته به قابلیت‌های افزون‌تری به شرط داشتن صلاحیت همه‌جانبه شاعر، آهنگ‌ساز و خواننده دست پیدا کنند؛ آثاری همچون «دایه دایه وقت جنگ»، «از خون جوانان وطن لاله دمیده»، «ای خطه ایران مهین ای وطن من»، «ایران ای سرای امید»، «ای ایران مرز پرگهر» و «یار دبستانی من» دارای چنین ویژگی‌هایی بودند، ماندگار شدند و امروز هم قابل شنیدن هستند.»

انیمیشنی درخشان تبدیل کردند، نیست اما دریم‌ورکس با بازگرداندن تیم فیلم قبلی موفق شده یک دنباله بامزه و سرگرم‌کننده بسازد که به درد هم بچه‌ها و هم بزرگ‌ترها می‌خورد.

تیم سازنده این بار خلاقیت و استعداد بیشتری برای خنده گرفتن از تماشاچی خرج کرده است. علاوه بر این، نقاط ضعف انیمیشن قبلی هم در اینجا به شکلی تصحیح شدند: به عنوان مثال شوخی‌هایی که از کارکترهایی که خیلی لوس و بی‌نمک بودند، سر می‌زد حالا خنده‌دارتر شدند و جوک‌هایی را ارائه می‌دهند که کمتر کلیشه‌ای هستند. با این حال بزرگ‌ترین مشکل انیمیشن همچنان پیرجاست؛ داستانی قابل پیش‌بینی که با وجود سرگرم‌کننده بودن، گاهی از نفس می‌افتد و نمی‌تواند از تمام پتانسیل زمانی و کاراکتری خودش استفاده کند. انیمیشن ریتم سریعی دارد و خیلی سریع به سراغ داستان اصلی و مشکلات جدید اعضای رفقای بد می‌رود. ورود گروه دوم خلافکاران که حضورشان جذابیت‌های زیادی هم به دنبال دارد و آنها هم تازم نفس و هم حرفه‌ای هستند؛ باعث می‌شود که اعضای گروه وارد یک مرز اخلاقی شوند. در واقع کلیت ماجرا این است که آیا واقعا شخصیت گرگ و دیگر اعضای گروه عوض شده‌اند یا آنها دلشان برای انجام دزدی تنگ شده است.

نکته مهم این است که انیمیشن قرار نیست، کار متفاوتی انجام دهد اما در عوض تبدیل به یک اثر کاملاً سرگرم‌کننده تبدیل خواهد شد و عجیب نیست که بگویم از این نظر از قسمت اول عملکرد بهتری دارد. در واقع با اثری طرف هستیم که داستان را پیچیده نمی‌کند و به وقت خود، داستانی را برملا می‌کند که البته قابل پیش‌بینی هستند. در واقع نمی‌توان گفت که سازندگان قسمت دوم در پی ارائه شاهکاری به دنبال قسمت اول بودند. آنها تنها تلاش کردند، نقص‌های شخصیت‌پردازی قسمت اول را رفع کنند و ضعف‌ها آنها را ترمیم کرده و داستانی مهیج را از کتاب منبع استخراج و طراحی کنند که با شخصیت‌های انیمیشنی هماهنگی داشته باشد و علاوه بر توجه به ریتم اتفاقات، کمیک بودن و خنده‌دار بودن آنها را هم در نظر داشته باشند.

در واقع برای یک انیمیشن موفق که دنبال داستانی انیمیشن دیگری است همین که شخصیت‌هایی بانمک و خنده‌داری داشته باشید و آنها بتوانند، داستانی پرکشش و جذاب را پیش ببرند، کافی است و می‌توانید امیدوار باشید که اثری موفق و پر فروش را تولید کردید که هم مردم از آن استقبال می‌کنند و هم منتقدان را راضی کرده‌اید و این همان اتفاقی است که درباره «رفقای بد ۲» رخ داده است. انیمیشنی که شاهکار نیست اما می‌تواند به خوبی شما را بخنداند و حسایی سرگرم کند.

ضربانگی با کلام و بی‌کلام شد که در نوع خود منحصر بود و نقش بسزایی در تهییج مردم و رزمندگان داشت؛ چاشنی این نوع موسیقی، نغمات و کلام‌هایی بود که با ترکیب شدن در انواع موسیقی‌ها که در آن دوران به همه آن‌ها سرود گفته می‌شد، از معنویت و حماسه‌ای ستودنی برخوردار بود، آثار در بخش‌های کاملاً ملی، مهنی، دینی و مذهبی دارای چنین ویژگی‌هایی بودند.»

مهدوی درباره تأثیر موسیقی دفاع مقدس بر جامعه به خصوص رزمندگان بیان کرد: «به گونه‌ای ناباورانه اکثریت آثار موسیقایی ۸ سال دفاع مقدس، مبتین تمامیت کلان موسیقی در ایران از ابتدا تا آن زمان بود، عرض ارادت هنرمندان فنّ موسیقایی با گونه‌های مختلف موسیقی، باعث ایجاد نوعی موسیقی و آهنگ ترانه‌هایی شد که ضمن ترغیب مردم به حمایت از فرزندانشان در جبهه‌های حق علیه باطل، رزمندگان را مصمم به دفاع از مین می‌کرد تا آسایش پدران و مادران خود را در شهرها تضمین کنند. تأثیر آنها بر ایجاد و تقویت حس هم‌دلی، پاک‌دلی و انسجام مشهود و ستودنی بود.»

این کارشناس و پژوهش‌گر موسیقی با اشاره به آثار ماندگار دفاع مقدس افزود: «آثاری که آهنگ‌سازان، خوانندگان، شاعران، ترانه‌سرایان و نوازندگان با محوریت دفاع از تمامیت خاک مین از سویدای وجود، دست به خلق اثر زدند، با موضوع‌ها و تم‌های سلیس و روان به دور از تکنیک‌ها و تفکرات روشنفکر مآبانه از دل مردم برخاسته بود و لاجرم بر جان و قلب آنان می‌نشت، آهنگ- ترانه- سرود «خجسته باد این پیروزی» با شعر حمید سبزواری،

قسمت دوم اکثر انیمیشن‌ها نمی‌توانند، موفقیت قسمت اول را تکرار کند اما این بار «رفقای بد ۲» نشان داد که می‌توان دنباله‌ای تولید کرد که حتی از فیلم قبلی هم باکیفیت‌تر و موفق‌تر باشد.

انیمیشن‌های «دریم‌ورکس» همیشه دست‌کم گرفته می‌شوند؛ با اینکه در صنعتی که دیزنی و پیکسار یک‌تته با فرنچایزهایشان آن را قبضه کرده‌اند، دریم‌ورکس اغلب ریسک با ایده‌های تازه را ترجیح می‌دهد؛ ریسک‌هایی که برای خیلی‌هایمان خاطره‌اند. انیمیشن «رفقای بد» یکی از این ریسک‌ها بود که سال ۲۰۲۲ با معرفی یک سری قهرمان (یا ضدقهرمان) بامزه که به سبک «یازده یار اوشن» دزدی می‌روند، خاطر خوشی در ذهنمان گذشت. «رفقای بد ۲» به سبک فیلم قبلی به ترکیبی از «یازده یار اوشن» و «زوتوپیا» می‌ماند که فیلم‌های کلاسیک دزدی و کلیشه‌های آنها را دست می‌اندازد. با موفقیت «رفقای بد» طولی نکشید که دریم‌ورکس سراغ ساخت دنباله‌ای برایش رفت. در «رفقای بد ۲» با اینکه دیگر خبری از ایده‌های ناب فیلم اول که آن را به



ترجمه

اثر قرص

بازار کار چگونه تحت تأثیر سیاست‌های ضد بارداری قرار گرفت؟

الکس تبراک

اقتصاددان در دانشگاه جورج میسون
ترجمه مهتا معرفت

وقتی کانترین مک‌کورمک در سال ۱۸۷۵ به دنیا آمد جهان برای زنان بسیار کوچک‌تر از امروز بود. در آن دوران حضور زنان در دانشگاه‌ها استثنای بود، حق رأی نداشتند و حتی صحبت از کنترل بارداری در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، جرم محسوب می‌شد. زنان در بهترین حالت می‌توانستند، معلم یا پرستار شوند و پس از ازدواج عمدتاً از بازار کار خارج می‌شدند. اما مک‌کورمک از همان جوانی تصمیم گرفت این محدودیت‌ها را به چالش بکشد. او در سال ۱۹۰۴ در رشته زیست‌شناسی از مؤسسه فناوری ماساچوست فارغ‌التحصیل شد که در آن زمان برای یک زن دستاوردی کم‌نظیر بود. سپس در جنبش حق رأی زنان فعال شد و در نهایت با تصویب متمم نوزدهم قانون اساسی آمریکا در ۱۹۲۰ این حق برای زنان به رسمیت شناخته شد. با وجود این پیروزی، مک‌کورمک می‌دانست که تنها حق رأی کافی نیست؛ زنان نیاز به ابزاری داشتند تا بتوانند، کنترل بیشتری بر زندگی شخصی و آینده شغلی خود داشته باشند. بزرگ‌ترین مأموریت زندگی او از جایی آغاز شد که همسرش دچار بیماری روانی شد و او سال‌ها وقت و هزینه خود را صرف مراقبت از او کرد. این تجربه شخصی او را متقاعد کرد که کنترل باروری و توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه دربارهٔ داشتن فرزند نه فقط مساله‌ای پزشکی بلکه مساله‌ای اجتماعی و اقتصادی است. مک‌کورمک، بخش بزرگی از ثروت خانوادگی‌اش را صرف حمایت مالی از پژوهش‌های پزشکی برای ساخت یک قرص ضدبارداری ایمن و قابل اعتماد کرد. کمک‌های مالی او به دانشمندانی مانند گرگوری پینکوس و جان راک امکان داد تا در دهه ۱۹۵۰ نخستین قرص ضدبارداری خوراکی مؤثر را تولید و آزمایش کنند. در سال ۱۹۶۰ سازمان غذا و داروی آمریکا رسماً مجوز فروش این قرص را صادر کرد و این نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی جهان شد. با وجود این پیشرفت علمی، موانع قانونی همچنان پابرجا بود. در سال ۱۹۶۰ در ۲۴ ایالت آمریکا فروش هرگونه ابزار پیشگیری از بارداری غیرقانونی بود و حتی پزشکان اجازه تجویز آن را نداشتند. این تضاد میان واقعیت زندگی زنان و قوانین سختگیرانه، موجی از مناقشه‌های حقوقی و اجتماعی را به راه انداخت. گروهی از منتقدان هشدار می‌دادند که رواج قرص موجب «آشفته‌گی اخلاقی» و گسترش روابط آزاد خواهد شد، در حالی که حامیان قرص بر حق زنان برای کنترل بدن خود و برنامه‌ریزی خانواده تأکید می‌کردند. سرانجام در سال ۱۹۶۵ دیوان عالی ایالات متحده در پرونده معروف گریسولد علیه کنیتیک رأی داد که دولت حق ندارد در امور خصوصی شهروندان دخالت کند و استفاده از روش‌های ضدبارداری را ممنوع کند. این رأی، نقطه پایانی بر ممنوعیت‌های قانونی بود و راه را برای دسترسی گسترده به قرص ضدبارداری هموار کرد. اثر این تحول بر جامعه آمریکا چشمگیر بود. پژوهش‌های کلودیا گلدین، اقتصاددان برجسته دانشگاه هاروارد، نشان داده است که دسترسی زنان به قرص ضدبارداری یکی از عوامل کلیدی افزایش مشارکت آنان در آموزش عالی و بازار کار در نیمه دوم قرن بیستم بوده است. پیش از رواج قرص، زنان جوان اغلب مجبور بودند میان ادامه تحصیل یا ازدواج و فرزندآوری یکی را انتخاب کنند. حتی ترس از بارداری ناخواسته می‌توانست مانع از برنامه‌ریزی برای مسیرهای شغلی بلندمدت شود. اما قرص امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر زندگی را فراهم کرد: زنان می‌توانستند، بچه‌دار شدن را تا پایان تحصیلات یا تثبیت موقعیت شغلی خود به تأخیر بیندازند. آمارها این تغییر را تأیید می‌کنند. از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۰ زنان کمتر از ۱۰ درصد دانشجویان رشته‌هایی مانند حقوق، پزشکی، مدیریت و دندانپزشکی را تشکیل می‌دادند. اما این رقم تا ۱۹۸۰ دو برابر شد و تا میانه دهه ۱۹۹۰ حضور زنان در بسیاری از این رشته‌ها به نزدیک ۵۰ درصد رسید. جالب‌تر اینکه ایالت‌هایی که زودتر قرص ضدبارداری را قانونی کردند، سریع‌تر شاهد رشد حضور زنان در دانشگاه و بازار کار بودند. این نشان می‌دهد که تغییر فرهنگی و اقتصادی نه صرفاً ناشی از گذر زمان بلکه نتیجه مستقیم فراهم شدن امکان کنترل باروری بوده است. تأثیر قرص فقط محدود به کاهش تعداد فرزندان نبود؛ بلکه الگوی زمان‌بندی فرزندآوری را تغییر داد. بسیاری از زنان ترجیح دادند، فرزندآوری را به سال‌های بعد موکول کنند و همین فرصت باعث شد، مدت بیشتری در دانشگاه بمانند، تخصص‌های دشوارتر را انتخاب و جایگاه‌های شغلی بلندمدت‌تری را تجربه کنند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

حزب خرابکار

حزب رستاخیز چگونه پایه‌های حکومت پهلوی را سست کرد؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

سوم مهر روز انحلال حزب رستاخیز است؛ حزبی که ایده‌های نسنجیده اقتصادی‌اش را در زمره دلایل اصلی سقوط حکومت پهلوی برمی‌شمرند. ایده‌های اقتصادی حزب رستاخیز یک ایراد اساسی داشت؛ تزریق بی‌رویه درآمدهای نفتی به اقتصاد باعث تورم شدید و ابتلای اقتصاد به بیماری هلندی شد. بیماری هلندی به وضعیتی اقتصادی اشاره دارد که در آن افزایش ناگهانی درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، به‌ویژه نفت، باعث تقویت ارزش پول ملی، کاهش رقابت‌پذیری بخش‌های تولیدی مانند صنعت و کشاورزی و تورم شدید می‌شود. این پدیده معمولاً با تزریق سریع درآمدها به اقتصاد، افزایش تقاضا و به هم ریختن تعادل اقتصادی همراه است. گردانندگان حزب رستاخیز، چاره کار را در مبارزه با گران‌فروشی از طریق نظارت خشن و اعزام بازرسان دانشجویی به بازارها دانستند و به جای استفاده از راه‌حل‌های اقتصادی برای حل مشکل به سرکوب و تبعید بازاریان پرداختند و نارضایتی گسترده‌ای ایجاد کردند. دخالت در امور اصناف، انحلال ساختارهای سنتی و ایجاد شرکت‌های دولتی برای توزیع مواد غذایی، پایه اقتصادی بازار را تهدید کرد. همچنین اجبار به عضویت در حزب و دریافت هدایای اجباری از تجار، تعیین حداقل دستمزد برای کارگران و ملزم کردن اصناف به ارائه فهرست کارکنان و پرداخت بیمه انجام شد. اما این اقدامات، به‌جای جلب حمایت، به نارضایتی گسترده منجر شد. یکی از فاجعه‌بارترین اقدامات حزب، مبارزه با گران‌فروشی بود که به بهانه اجرای اصل چهاردهم انقلاب سفید آغاز شد. شاه با هدف کنترل قیمت‌ها، دانشجویان عضو حزب را به‌عنوان بازرس به بازارها فرستاد. این جوانان بسا گزارش‌های خود بیش از ۸۰۰ بازاری را به تبعید فرستادند، هزاران نفر را جریمه کردند و حدود ۸۰۰۰ مغازه‌دار را به زندان انداختند. این سیاست‌ها، که با نظارت شدید بر اصناف و ایجاد شرکت‌های دولتی برای توزیع مواد غذایی همراه بود، به تهدید مستقیم پایه‌های اقتصادی بازار منجر شد. بازار که از دیرباز رکن اصلی جامعه ایران بود به شدت در برابر این اقدامات مقاومت کرد. حزب رستاخیز همچنین با انحلال اصناف قدیمی و تأسیس اتاق‌های اصناف تحت نظارت دولت سعی در کنترل کامل این قشر داشت. این اقدامات همراه با اظهارات رسانه‌های دولتی درباره ضرورت نابودی بازار سنتی و جایگزینی آن با فروشگاه‌های مدرن، خشم بازاریان را برانگیخت. آنها که احساس می‌کردند، هویت و معیشت‌شان در خطر است به سوی علما، متحدان سنتی خود روی آوردند. محمدعلی همایون‌کاتوزیان، مورخ

وقتی قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ بالا رفت، شاه دستور داد تا پول ناشی از فروش نفت را به اقتصاد تزریق کنند. با وجود مخالفت کارشناسان سازمان برنامه، درآمدهای هنگفت نفت به جامعه تزریق شد و وقتی پول دست مردم رسید، تقاضا برای کالاها افزایش و قیمت‌ها نیز به شدت افزایش یافت. شاه تورم را با گرانی اشتباه گرفت و فکر کرد، بازاریان قصد توطئه دارند. در سال ۱۳۵۵ حزب رستاخیز کارت بازرسی به دانشجویان عضو این حزب داد و آنها را روانه بازار کرد. با گزارش‌های این جوانان بیش از ۸۰۰ نفر از بازاریان را تبعید کردند و خیلی‌ها را به زندان انداختند. به این ترتیب بازاریان هم که مانند روحانیون دارای شبکه‌ای گسترده در سراسر کشور بودند به جمع بازندگان حکومت پهلوی پیوستند. به این ترتیب اتحادی از بازندگان مذهبی، فرهنگی، بازاری، سیاسی و اقتصادی شکل گرفت که در شکل‌گیری انقلاب نقش داشتند.

این گزارش کوتاه به بررسی ظهور، اقدامات و پیامدهای این حزب می‌پردازد که چگونه با سیاست‌های نادرست خود اتحادی از ناراضیان را علیه رژیم شکل داد.

بازار سهام

مدار روانی

در بازار سرمایه چه گذشت؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

روز سه‌شنبه بورس تهران شاهد حرکتی ملایم اما معنادار بود؛ شاخص کل بازار سرمایه توانست پس از افت اولیه با رشد ۰.۱۶ درصد به سطح حدود ۲ میلیون و ۵۴۴ هزار واحد برسد، اگرچه شاخص هم‌وزن کمی عقب نشست و حدود ۰.۱۳ درصد افت کرد. این وضعیت نمایانگر دوگانگی در بازار است؛ در حالی که بزرگ‌تراها و شرکت‌های شاخص‌ساز توانسته‌اند، نیرو بگیرند اما شرکت‌های کوچک‌تر هنوز در فشار هستند.

ارزش معاملات خرد بازار سهام به ۶ هزار و ۶۵۴ میلیارد تومان رسید و هم‌زمان حدود ۱۷۶ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی از بازار خارج شد که نشانه‌ای از احتیاط و عدم اطمینان میان سرمایه‌گذاران خرد است. در فرابورس هم وضعیت مشابهی دیده شده و شاخص کل فرابورس با افزایش مختصری همراه بوده است.

در بازار ارز، دلار آزاد بار دیگر وارد کانال ۱۰۳ هزار تومان



برجسته در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران» اشاره می‌کند که این سیاست‌ها نه تنها پایگاهی مردمی برای رژیم ایجاد نکرد بلکه به بیزاری گسترده مردم منجر شد. اجبار به عضویت در حزب، نظارت بر اصناف و دخالت در امور اقتصادی، به‌ویژه مبارزه با گران‌فروشی، به اتحادی از ناراضیان شامل بازاریان، روحانیون، روشنفکران و کارگران دامن زد. این اتحاد، که از اقشار مختلف جامعه تشکیل شده بود، نقشی کلیدی در شکل‌گیری انقلاب ۱۳۵۷ ایفا کرد. در نهایت، حزب رستاخیز که قرار بود ابزاری برای تحکیم قدرت شاه باشد با سیاست‌های نسنجیده و سرکوبگرانه خود به عاملی برای فروپاشی رژیم پهلوی تبدیل شد.

حزب رستاخیز، هرگز مورد توجه مردم قرار نگرفت و مردم تنها به این دلیل که مجبور به عضویت در حزب بودند به آن پیوستند تا مبادا به عنوان خائنین و مخالفان نظام تلقی شوند. اگرچه کانون‌ها و کمیته‌های حزب در روزهای اول بسیار فعال بودند و همه مسائل و مشکلات مردم در آنها مطرح و حل می‌شد؛ اما در روزهای آخر فعالیت حزب، جلسات کانون‌ها تشکیل نمی‌شد و حزب دچار وضع نامساعدی شده بود. تمام تشکیلات اداری مدیریتی و ستادی حزب در تهران و شهرستان‌ها در بلا تکلیفی به سر می‌بردند و بسیاری از این کانون‌ها به حالت نیمه تعطیل درآمده و در برخی مناطق نیز به‌طور کامل تعطیل شده بودند و به تدریج کانون‌ها رو به افول گذاشتند و انتصابات خلاف ضابطه نیز بر مشکلات می‌افزود. مسئولان حزبی هم نسبت به این موضوع‌ها، بی‌اعتنا بودند و این بی‌اعتنایی علاقه‌مندان به حزب را دلسرد و مایوس می‌کرد و افراد سرخورده به مخالفان حزب می‌پیوستند.

انحلال این حزب در سوم مهر، نه‌تنها پایان یک پروژه سیاسی شکست‌خورده بود بلکه نمادی از ناکامی رژیم در جلب حمایت مردم و مدیریت اقتصاد کشور به شمار می‌رود.

این حزب که مرانامه‌اش کاملاً بر اساس آرمان‌ها و اهداف شاه تنظیم شده بود، نه‌تنها نقش یک حزب سیاسی واقعی نداشت بلکه صرفاً فرمانبردار اوامر شاه بود. حزب رستاخیز با هدف جذب توده‌ها، شعب خود را در سراسر کشور گسترش داد و با اجبار کارمندان دولتی و حتی افراد دارای مشاغل خصوصی به عضویت به سرعت به ۶ میلیون عضو رسید. برای جلب طبقه متوسط مرفه و بازاریان، اقداماتی مانند تأسیس شعب در بازارها، دریافت هدایای اجباری از تجار، تعیین حداقل دستمزد برای کارگران و ملزم کردن اصناف به ارائه فهرست کارکنان و پرداخت بیمه انجام شد. اما این اقدامات، به‌جای جلب حمایت، به نارضایتی گسترده منجر شد.

یکی از فاجعه‌بارترین اقدامات حزب، مبارزه با گران‌فروشی بود که به بهانه اجرای اصل چهاردهم انقلاب سفید آغاز شد. شاه با هدف کنترل قیمت‌ها، دانشجویان عضو حزب را به‌عنوان بازرس به بازارها فرستاد. این جوانان بسا گزارش‌های خود بیش از ۸۰۰ بازاری را به تبعید فرستادند، هزاران نفر را جریمه کردند و حدود ۸۰۰۰ مغازه‌دار را به زندان انداختند. این سیاست‌ها، که با نظارت شدید بر اصناف و ایجاد شرکت‌های دولتی برای توزیع مواد غذایی همراه بود، به تهدید مستقیم پایه‌های اقتصادی بازار منجر شد. بازار که از دیرباز رکن اصلی جامعه ایران بود به شدت در برابر این اقدامات مقاومت کرد. حزب رستاخیز همچنین با انحلال اصناف قدیمی و تأسیس اتاق‌های اصناف تحت نظارت دولت سعی در کنترل کامل این قشر داشت. این اقدامات همراه با اظهارات رسانه‌های دولتی درباره ضرورت نابودی بازار سنتی و جایگزینی آن با فروشگاه‌های مدرن، خشم بازاریان را برانگیخت. آنها که احساس می‌کردند، هویت و معیشت‌شان در خطر است به سوی علما، متحدان سنتی خود روی آوردند. محمدعلی همایون‌کاتوزیان، مورخ

بازار سهام

کاهش اعتماد و ترس از ریسک سیاسی یا اقتصادی نیز در انتظارات بازار تأثیر می‌گذارد؛ اگر روند دلار یا سیاست‌های ارزی دولت دست‌خوش شوک شود، واکنش بازار سهام سریع‌تر و شدیدتر خواهد بود. در مجموع، بازار سهام ایران در وضعیتی نیمه تعادل است: نه رکود کامل، نه رشد پرشتاب. سرمایه‌گذاران بزرگ‌تر- که توانایی مدیریت ریسک بیشتری یا استفاده از ابزارهای تحلیل قوی‌تر دارند- احتمالاً در موقعیت بهتری‌اند؛ ولی سرمایه‌گذاران خرد و شرکت‌های کوچک‌تر تحت فشار بیشتری هستند. داشتن سیاست‌های شفاف ارزی، ثبات در تصمیمات کلان اقتصادی و بهبود فضای کسب‌وکار می‌تواند نقطه عطفی باشد برای پایداری بیشتر این روند صعودی ملایم. دیروز دلار آزاد به کانال ۱۰۳ هزار تومان بازگشت. به‌رغم افت قیمت دلار، بهای اونس در بازار جهانی به حوالی ۳ هزار و ۸۰۰ دلار رسیده و این موضوع از کاهش قیمت طلا و سکه در بازار جلوگیری کرده است. در معاملات دیروز، قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار در کانال ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان قرار داشت و سکه امامی هم در کانال ۱۰۲ میلیون تومان مورد معامله قرار گرفت.

شد که هرچند کاهش نداشت ولی حرکتی روانی محسوب می‌شود. این تغییر قیمت دلار همراه با ثبات یا حتی افزایش بهای اونس طلا در بازار جهانی تا حوالی ۳ هزار و ۸۰۰ دلار مانع از کاهش محسوس قیمت طلا و سکه در بازار داخلی شده است. قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار در کانال ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان معامله می‌شود و سکه امامی در نزدیکی ۱۰۲ میلیون تومان است.

معاملات بازار سهام در چنین فضایی نشان می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاران هنوز به بازار ایمان دارند؛ نه به دلیل چشم‌انداز بلندمدت روشن بلکه به دلیل کمبود گزینه‌های جذاب‌تر یا ترس از ریسک‌های دیگر. با این حال خروج نقدینگی حقیقی نشان می‌دهد که تحمل ریسک پایین‌تر شده و بسیاری ترجیح می‌دهند، دارایی‌هایشان را به بازارهایی که به نظر ایمن‌تر می‌آیند، منتقل کنند. تورم همچنان فشار اصلی را بر معیشت وارد می‌کند و قیمت کالاها، ارز و دارایی‌های محافظ‌ت‌ورم‌زده در اولویت خریداران خرد قرار دارد. در مقابل، بازار سهام با اصطلاح «رشد کم‌جان» روبه‌رو است؛ شاخص کل رشد دارد اما نه با قدرت و شاخص هم‌وزن نشان از پهن نشدن رشد دارد.

کسب و کار قبیح

وکیل‌نمایی که در اینستاگرام ترویج خیانت کرد مورد تعقیب قضایی قرار گرفت

گروه اجتماعی: در روزهای اخیر ویدیویی در اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی ایران منتشر شد که زن جوانی در نقش «وکیل» به پرسشی درباره خیانت به همسر بدون گیر افتادن پاسخ می‌دهد. او با خنده و لحنی طنزآلود توصیه می‌کند، زن این کار را نکند اما در ادامه می‌گوید: «اگر می‌خواهی بکنی، اول هیچ‌کس را در جریان نگذار، دوم با خط موبایلی به نام خودت نباش، سوم اگر گیر افتادی، گردن بگیر». در پاسخ به پرسش «اگر وکیل‌ شما باشید، چه؟» با تمسخر می‌گوید: «هیچی!» این ویدیو که بخشی از تبلیغات یک مؤسسه حقوقی آنلاین است در مدت کوتاهی، واکنش‌های انتقادی فراوانی به همراه داشت. کانون وکلای ایران و دستگاه قضایی اعلام کرده‌اند که فرد حاضر در ویدیو هیچ پروانه وکالتی ندارد و صرفاً بازیگر یک «وکیل‌نما» ست. برای این مؤسسه و بازیگر آن پرونده قضایی تشکیل شده و به دادسرا ارسال خواهد شد.

برخی افراد و صفحات مجازی با شمایل مشاور، روان‌شناس یا وکیل به آموزش رفتارهای غیرقانونی و غیراخلاقی می‌پردازند. از وکیلی که خیانت زناشویی را «قابل پنهان‌کاری» جلوه می‌دهد تا روان‌شناسی که ممکن

است، توصیه به گریز از مسئولیت اخلاقی کند. انتشار چنین محتوایی علاوه بر ایجاد بحران اخلاقی، دست‌عده‌ای را برای مطالبه فیلترینگ سخت شبکه‌ها باز می‌کند. البته راه مقابله با این آسیب نه فیلتر سراسری فضای مجازی که مجازات و پاسخگویی خود افراد خاطی و فرهنگ‌سازی عمومی است. انتشار چنین محتوایی، دست‌محفظه‌کاران را برای فیلتر کردن شبکه‌ها باز می‌کند. در ماه‌های اخیر بحث رفع فیلتر شبکه‌های اجتماعی داغ بوده و برخی تصمیم‌سازان، بهانه‌های اخلاقی برای ادامه محدودیت‌ها جستند. واقعیت اما پیچیده‌تر است: پس از فیلتر تلگرام و اینستاگرام در سال‌های قبل، بخش عمده کاربران با استفاده از ابزارهای عبور از فیلترینگ به شبکه‌ها بازگشته‌اند و اکنون محدودیت‌ها بیش از هر چیز، کاربران عادی را آزار می‌دهد. به عبارتی، فیلتر شدن صرف یک شبکه اجتماعی نمی‌تواند، جلوی تولید یا انتشار چنین محتواهایی را بگیرد. افراد خاطی به همان راحتی به اینترنت دسترسی دارند. بنابراین باقی ماندن شبکه‌ها در حالت فیلتر نه تنها خانواده‌ها را از خطر محتوای ناهنجار دور نمی‌کند بلکه مشکلات دیگری نیز ایجاد کرده است. راه‌حل اساسی، برخورد مستقیم با عاملان تولید



محتوای نابهنجار است نه مجازات عمومی کاربران. مقصر کسانی هستند که با عنوان مشاور، روان‌شناس یا وکیل، آموزش‌ها و توصیه‌های غیراخلاقی می‌دهند. در ماه‌های گذشته نمونه‌های دیگری نیز دیده شده که مشاوران آنلاین به سؤالات مربوط به خیانت یا روابط زناشویی پاسخ می‌دهند بدون اینکه صلاحیت علمی و قانونی لازم را داشته باشند. برخی صفحات روان‌شناسی ادعا می‌کنند برای طلاق یا روابط نامشروع راهکار می‌دهند. اگرچه این موارد کمتر رسانه‌ای شده‌اند اما روند کلی نشان‌دهنده، نگرانی جدی درباره «مدل‌سازی بی‌اخلاقی» در شبکه‌های اجتماعی است. این افراد و صفحاتی که صرفاً به دنبال جذب مخاطب هستند با انتشار محتوای تحریک‌آمیز به خانواده‌ها آسیب

قضایی

قصاص بیوه سیاه

کثوم اکبری به ۱۰ بار قصاص محکوم شد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

کثوم اکبری، زن ۵۶ ساله مازندرانی مشهور به «بیوه سیاه ایران» روز ۱ مهر ۱۴۰۴ با درخواست ۱۰ گروه از خانواده‌های قربانیان خود به ۱۰ بار قصاص محکوم شد. او پس از دهه‌ها آدم‌کشی پنهان در شهریور ۱۴۰۲ بازداشت شد و در اعتراف‌اش اعلام کرد دست‌کم ۱۰ مرد سالمند را در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲ به قتل رسانده است. افزون بر احکام قصاص، دادگاه به جرم «مشارکت در قتل ناموفق» یک شوهر، وی را به ۱۰ سال حبس محکوم کرد. این پرونده جنجالی نه تنها ایران را بلکه جامعه جهانی را به یاد صدها سال حضور قاتلان زنجیره‌ای زن انداخت؛ زانی که اغلب از «کد شمایل» مراقبین بهره می‌برند و قتل‌ها را در پوشش روابط صمیمانه و خانوادگی انجام می‌دهند.

زندگی و روش قتل‌های کثوم

کثوم اکبری در روستایی نزدیک ساری زاده شد و از کودکی در فقر و ازدواج‌های اجباری بزرگ شد. او در مجالس زنانه، خود را تنها و مهربان نشان می‌داد و به عقد موقت مردان سالخورده ثروتمند در می‌آمد سپس با دقت زیادی، قربانی را مسموم می‌کرد: ترکیب داروهای دیابت، فشار خون و محرک جنسی را در جای یا نوشیدنی مخفی می‌کرد و حتی از «خفه کردن با حوله خیس» برای ناتمام گذاشتن قصه استفاده می‌کرد. در مراحل اولیه مرگ مشکوک را با انتقال به بیمارستان مخفی می‌کرد اما به مرور دوز دارو را بالا می‌برد تا قربانی بی‌درنگ جان دهد. اکثر قربانیان او، مردانی بالای ۷۰ سال بودند که مهریه‌های سنگینی (تا ۵۰۰ میلیون تومان) به همسر موقت خود می‌دادند.

مثال قابل توجه، غلامرضا بابایی ۸۲ ساله است که پس از دریافت مهریه هنگفت مشکوک شد، چند روز قبل از مرگ فاش کرد، کثوم قرص قلب و فشار خون به زور به او می‌دهد و در نهایت با حل کردن چندین قرص فشار خون در آب و خفه کردن او با حوله به قتل رسید. تا کنون گزارش شده که ده‌ها جنایت از کثوم ثبت شده یا در جریان است و احتمالاً آمار قربانیان بیش از این‌هاست.

از منظر روان‌شناختی، خود کثوم انگیزه‌اش را «لذت‌جویانه» - به عبارتی کسب ثروت - عنوان کرد و حتی گفت به یک پسرش نیز رحم نکرده تا ترحم دیگران را جلب کند. قاضی پرونده، او را فردی با «ضریب هوشی خاص»

خواند که با برنامه‌ریزی دقیق، جلوه ساده‌دلانه می‌داد اما قتل‌ها را ماهرانه پنهان می‌کرد. به عبارت دیگر، کثوم با سوءاستفاده از سهمیه ازدواج موقت و موقعیت مراقبتی خود، قربانیان آسیب‌پذیر را نشانه می‌گرفت. او نه با چاقو یا تفنگ بلکه با قرص‌های فشار خون حل شده در جای و بالش‌های نرم خفه‌کننده ۱۱ شوهر را در ۲۲ سال به کام مرگ کشاند. پس از دستگیری، گزارش‌ها نشان دادند که مرگ‌ها آن‌قدر «طبیعی» جلوه داده شده بود که خانواده‌ها شک نکرده بودند؛ در حالی که فقط با هوشیاری فرزندان آخرین مقتول، راز جنایت‌ها فاش شد.

اولین قاتل

در تاریخ جنایی ایران، کثوم دومین قاتل زنجیره‌ای زن است. نخستین مورد مهین قدیری بود که در بهمن ۱۳۸۷ در قزوین دستگیر شد و به جرم کشتن پنج زن و یک مرد در سال ۱۳۸۸ محکوم و در آذر ۱۳۸۹ اعدام شد. انگیزه مهین، فقر مفرط و نیاز مالی (پرداخت دیون و درمان فرزندی) اعلام شد و خود او گفته بود از پرداخت امانت‌خواری مادر و ناتوانی همسرش به خشم آمده و دست به قتل زده است. روش او هم اغلب خفه کردن یا مسمومیت بود. به این ترتیب هر دو قاتل زن ایرانی، قربانیان سالمند و آسیب‌پذیر را هدف قرار دادند اما انگیزه‌ها و پوشش‌های متفاوتی داشتند: مهین، قربانیان را به بهانه کمک یا همدستی با آبیوه مسموم سر می‌برد، در حالی که کثوم از عقد موقت و دارودرمانی سوء استفاده کرد.

در مقیاس جهانی نیز دو خصیصه کثوم- قاتل زنجیره‌ای زن بودن و طمع مالی - الگوی شناخته شده‌ای دارد. به عنوان مثال مری آن کاتن (قرن نوزدهم در انگلستان) با آرسنیک، همسران و فرزندان‌ش را مسموم کرد تا از بیمه و ارثیه آنها منتفع شود، درست همان راهبردی که کثوم با «مهریه» انجام داد. جودی بوثنائو «بیوه سیاه فلوریدا» نیز ۶ مرد (شوهر، پسر و نامزد) را با سم و حتی بمب‌گذاری خودرو کشت تا ۱۰۰ هزار دلار بیمه دریافت کند. در حالی که روش بوثنائو خشن‌تر بود، انگیزه مالی هر دوی آنها مشابه است.

مطالعات جرائم نشان می‌دهند، قاتلان زن زنجیره‌ای به ندرت انگیزه جنسی دارند و بیشترین دلیل قتل را «سود مالی و کنترل» می‌دانند. از نظر روانشناسی و جامعه‌شناسی این تفاوت‌ها اهمیت دارد: زنان قاتل اغلب «قربانیان نزدیک یا آشنا» را انتخاب می‌کنند، در حالی که مردان بیشتر به سمت «شکار» غریبه‌ها گرایش دارند. کثوم و مری آن کاتن - هر دو تحت عنوان «بیوه سیاه» - با بهره‌برداری از اعتماد جنسیتی و

نقش‌های مراقبتی مظنون قلمداد نمی‌شدند. به قول محققان، زنان قاتل «گردآورنده» هستند؛ آنها افراد اطراف خود را جمع می‌کنند تا سود و قدرت به دست آورند، در حالی که مردان «شکارچی» و دنبال انگیزه‌های جنسی‌اند.

یافته‌های علمی و آماری درباره قاتلان زن

مطالعات نشان می‌دهد تنها حدود ۱۲-۱۶ درصد قاتلان زنجیره‌ای در جهان را زنان تشکیل می‌دهند. به گفته محققان، قاتلان زنجیره‌ای زن همان دلایلی را دارند که مردان - «قدرت و کنترل» - اما شیوه‌های متفاوتی دارند. تحقیقات دانشگاهی نیز تأیید می‌کند که بسیاری از قاتلان زن در نقش‌های «مراقبتی» (پرستار، مادری فداکار ...) فعالیت می‌کنند تا حدی که بیش از یک‌سوم آنها در حوزه‌های درمانی، کار می‌کنند. به همین دلیل گفته می‌شود، قاتلان زن اغلب «کسی نیستند که انتظارش را داشته باشید».

نکات کلیدی درباره قاتلان زنجیره‌ای زن

سهم اندک: زنان تنها حدود ۱۵ درصد کل قاتلان زنجیره‌ای جهان هستند.

انگیزه مالی/ قدرت: بیشتر برای «سود مالی و کنترل» می‌کشند تا انگیزه جنسی.

قربانیان آشنا و آسیب‌پذیر: اغلب کودکان، سالمندان یا بیماران را به‌عنوان قربانی انتخاب می‌کنند.

روش قاتلان: سم و دارو، روش رایج است (مثلاً تزریق یا نوشیدنی آلوده).

پوشش مراقبتی: بیش از یک‌سوم آنها در مشاغل درمانی یا پرستاری‌اند که اعتماد اطرافیان را جلب و مخفی‌کاری را آسان می‌کند.

داده‌ها نشان می‌دهند ۷۱ درصد قاتلان زن فعال در سال‌های اخیر پس از کشتن افرادی که با آنها ارتباط شخصی داشتند (خانواده یا شریک زندگی) دستگیر شده‌اند. همچنین در همه نمونه‌های مورد مطالعه، قاتلان زن حداقل یک قربانی کودکان یا سالمندان را انتخاب کرده‌اند؛ انسان‌هایی که «شانس کمی برای مقاومت» داشتند. در مقابل، قاتلان مرد بسیار بیشتر به زنان غریبه یا قربانیان متنوع حمله می‌کنند.

از نظر روش جنایت، سومی کردن قربانی با دارو یا مواد مسموم، روش متداول زنان قاتل است. این «آرامش خائنانه» امکان گریز بیشتری را می‌دهد و تا کشف نقشه، زمان می‌برد. چنین ویژگی‌هایی سبب می‌شود، پرونده قاتلان زن سخت‌تر کشف شود؛ چنانکه در گذشته به ندرت شناسایی می‌شدند.

محیط زیست

پاییز سخت آبی تهران

سدهای تهران در شرایط نامناسب قرار دارند

با آغاز سال آبی جدید (۱۴۰۴-۱۴۰۵) سدهای تهران در شرایطی نامناسب قرار گرفته‌اند و زنگ هشدار کم‌آبی بیش از هر زمان دیگری به صدا درآمده است. بررسی آخرین وضعیت ذخایر سدهای تأمین‌کننده آب پایتخت نشان می‌دهد که در آستانه فصل پاییز بسیاری از این سدها به «حجم مرده» نزدیک شده یا در آستانه رسیدن به آن هستند.

بر اساس گزارش‌های رسمی، سد امیرکبیر در غرب تهران تنها ۳۰ میلیون متر مکعب آب دارد؛ رقمی که نشان‌دهنده ۷۳ درصد عقب‌ماندگی نسبت به سال گذشته است. در شرق تهران نیز سد لار با ذخیره ۲۴ میلیون متر مکعب و عقب‌ماندگی ۴۳ درصدی، وضعیتی بحرانی را تجربه می‌کند. سدهای لتیان و ماملو هر کدام تنها ۴۱ میلیون متر مکعب آب در اختیار دارند و با ۴۸ درصد کاهش ذخایر نسبت به سال گذشته به سرعت به نقطه بحرانی نزدیک می‌شوند. در این میان سد طالقان گرچه ۱۷۵ میلیون متر مکعب موجودی دارد اما همچنان با ۳۴ درصد عقب‌ماندگی مواجه است.

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۸۰۰۱۷۶۸-۳۱۲۰۰۸۰۰۴۶/۳ تاریخ ۱۴۰۴/۴/۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۸۰۰۰۸۴۷-۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای عبدالله باش قره فرزند محمد به شماره شناسنامه ۸۴۰ کد ملی ۴۹۷۹۲۸۲۴۹۰ صادره آق قلا در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۳۳/۱۸ متر مربع، مفروز، و مجزی شده جزئی از پلاکهای ثبتی شماره (۱/۸۹) - اصلی بمساحت ۷۴/۷۱ متر مربع) و (۱/۹۲) - اصلی بمساحت ۱۴۹۳/۹۵ متر مربع) و (۱/۹۹) - اصلی بمساحت ۶۴/۵۲ متر مربع) همگی واقع در آق قلا- اراضی قریه شیخ موسی -بخش ۱۲ -حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلااز سهمی مالک رسمی (محمد باشقره -تره آقا بهلکه) تأیید گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراضی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الفقه:۷۱

تاریخ انتشار نوبت اول روز سه شنبه ۱۴۰۴/۶/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۷/۲
مقنازجهانفر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا

